

جستاری پیرامون عزاداری معصومان علیهم السلام برای امام حسین علیه السلام

- ۲.....مقدمه
- ۳.....گریه ی حضرت رسول اکرم ص بر امام حسین علیه السلام
- ۱۴.....گریه حضرت امیر المومنین علیه السلام بر امام حسین علیه السلام
- ۱۸.....گریه حضرت زهرا سلام الله علیها بر امام حسین علیه السلام
- ۳۰.....عزای امام حسن علیه السلام برای امام حسین علیه السلام
- ۳۱.....سفارش امام حسین علیه السلام به گریه برای خودشان
- ۳۲.....گریه امام سجاد علیه السلام بر حضرت اباعبدالله علیه السلام
- ۳۸.....گریه امام باقر علیه السلام بر امام حسین سلام الله علیه
- ۴۵.....گریه امام صادق علیه السلام بر امام حسین علیه السلام
- ۶۴.....گریه امام کاظم بر امام حسین علیه السلام
- ۶۵.....گریه امام رضا علیه السلام بر امام حسین علیه السلام
- ۷۰.....عزاداری امام حسن عسکری برای امام حسین علیهما السلام
- ۷۲.....گریه حضرت ولی عصر علیه السلام بر امام حسین علیه السلام
- ۷۳.....نتیجه

از دیر باز عقاید مهم تشیع، مورد هجمه ی دشمنان و مخالفین قرار گرفته است، و این هجمه ها در بعضی از زمان ها، شدت بیشتری به خود می گیرد که البته با دروغ و تهمت و افتراء و سیاه نمایی فروانی همراه می شود، از جمله عقاید مسلم و روشن مدرسه حقه ی اهل بیت علیهم السلام که مورد هجمه ی مخالفین قرار گرفته است، عزاداری در ایام محرم برای سید و سالار شیهدان حضرت ابا عبدالله علیه السلام می باشد، گرچه همیشه این عقیده مهم مورد هجوم دشمنان و مخالفان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته، ولی در ایام محرم این هجمه ها شدت بیشتری به خود می گیرد تا بلکه بتوانند با سیاه نمایی و افتراء، جوانان و مردم را نسبت به این مسأله دچار تردید کنند و در نتیجه باعث دوری آنها از اهل بیت علیهم السلام شوند.

از جمله شبهاتی که در ایام محرم الحرام از جانب دشمنان اهل بیت علیهم السلام مطرح می شود، عدم وجود فرهنگی به نام عزاداری برای ابا عبدالله علیهم السلام در بین معصومان علیهم السلام می باشد، به عبارتی دیگر مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السلام می گویند اگر واقعا عزاداری برای امام حسین علیه السلام جائز و مشروع بوده پس چرا این فرهنگ در بین ائمه و اهل بیت علیهم السلام رائج نبوده و روایت صحیح السندی در این باره نقل نشده؟

اینگونه سؤال ها و شبهات که از مخالفین مطرح می گردد بی شک ناشی از جهل و نادانی و یا عناد و دشمنی می باشد؛ زیرا فرهنگ عزاداری در بین ائمه ی معصومان علیهم السلام در روایات و کتاب های حدیثی شیعه به قدری نقل شده است، که به جرأت می توان گفت درجه ی تواتر معنوی بلکه فوق تواتر را دارد، از طرفی در بین اهل علم مبرهن است مسئله ی که با تواتر ثابت می شود نیاز به بررسی سندی ندارد. علی رغم اینکه صرف نظر از مطلب فوق، سند تعدادی از این روایات نیز از نظر دانش حدیث از اعتبار کافی بر خوردار می باشد.

از طرفی گریه و عزاداری بر امام حسین علیه السلام، نه تنها بعد از شهادت ایشان بلکه حتی قبل از شهادت آن حضرت در روایات اهل بیت علیهم السلام به فروانی نقل شده است، که این مسئله نه تنها نشانه ی رایج بودن

فرهنگ عزاداری در بین اهل بیت علیهم السلام می باشد بلکه از اهمیت گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام حکایت دارد.

حال با توجه به مقدمه ی مذکور، در این مجال روایات عزاداری معصومان علیهم السلام را به ترتیب [از رسول خدا صلی الله علیه وآله تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف] نقل می کنیم. لازم به ذکر است این روایات از معصومان علیهم السلام یکسان نبوده، و با توجه به شرائطی که ائمه علیهم السلام در آن به سر می بردند، از بعضی امامان علیهم السلام روایاتی زیادی در این زمینه نقل شده و از برخی دیگر، روایت های کمی یا اصلاً روایتی نقل نشده است؛ ولی در کل، تواتر عزاداری بر امام حسین علیه السلام به روشنی ثابت می باشد.

گریه ی حضرت رسول اکرم ص بر امام حسین علیه السلام

روایات فراوانی، از حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه واله وسلم، در زمینه گریه بر حضرت ابا عبدالله علیهم السلام قبل از شهادتشان در کتب روایی شیعه نقل شده است، این روایات دو دسته است در بعضی از روایات دیده می شود که پیامبر اکرم صلوات الله علیه برای مردم و یا اهل بیت علیهم السلام روضه خوانی می کند و مصائب ابا عبدالله علیهم السلام را بیان کرده و بقیه نیز با صدای بلند گریه می کردند، و در برخی حضرت رسول صلی الله علیه وآله برای آن حضرت گریه می کنند.

روضه خوانی پیامبر اکرم ص و گریه مردم:

قال رواه الحدیث. فلما أتت علی الحسین علیه السلام من مولده سنه كامله هبط علی رسول الله صلی الله علیه واله وسلم إثنی عشر ملكاً أحد هم علی صورة الأسد، والثانی علی صورة الثور، والثالث علی صورة التین، والرابع علی صورة ولد آدم، والثمانیه الباقون علی صور شتی محمره وجوههم باکیه عیونهم قد نشروا أجنحتهم وهم یقولون، یا محمد صلی الله علیه واله

وسلم سينزل بولدك الحسين عليه السلام ابن فاطمة ما نزل بهابيل من قابيل وسيعطى مثل أجر هابيل ويحمل على قاتله مثل وزر قابيل ولم يبق في السموات ملك مقرب إلا ونزل إلى النبي صلى الله عليه واله وسلم كل يقرئه السلام ويعزيه في الحسين عليه السلام ويخبره بثواب ما يعطى ويعرض عليه تربته والنبي صلى الله عليه واله وسلم يقول: اللهم اخذل من خدله واقتل من قتله ولا تمتعه بما طلبه. قال فلما أتى علي الحسين عليه السلام من مولده ستان خرج النبي صلى الله عليه واله وسلم في سفر له فوقف في بعض الطريق وإسترجع ودمعت عيناه فسئل عن ذلك. فقال: هذا جبرائيل عليه السلام يخبرني عن أرض بشط الفرات يقال لها كربلاء يقتل عليها ولدى الحسين ابن فاطمة عليه السلام فقيل له: من يقتله يا رسول الله؟ فقال: رجل إسمه يزيد لعنه الله وكأنى أنظر إلى مصرعه ومدفنه، ثم رجع من سفره ذلك

مغموما فصعد المنبر فخطب ووعظ والحسن والحسين عليهما السلام بين يديه فلما فرغ من

خطبته وضع يده اليمنى على رأس الحسن ويده اليسرى على رأس الحسين، ثم رفع رأسه

إلى السماء وقال: (اللهم إن محمدا عبدك ونبيك وهذان أطائب عترتي وخيار ذريتي. وأرومتي

ومن أخلفهما في امتي وقد اخبرني جبرائيل عليه السلام أن ولدي هذا مقتول مخذول. اللهم

فبارك له في قتله واجعله من سادات الشهداء اللهم ولا تبارك في قاتله وخاذله.) قال: فضج

الناس في المسجد بالبكاء والنحيب، فقال النبي صلى الله عليه واله وسلم أتبكونه ولا تنصرونه

ثم رجع صلى الله عليه واله وسلم وهو متغير اللون محمر الوجه فخطب خطبة أخرى موجزة

وعينا تنهما لان دموعا

السيد ابن طاووس الوفاة: ٦٦٤، اللهوف في قتلى الطفوف ج: ١ ص: ١٣، الناشر: أنوار الهدى، قم، إيران [بى تا].

محدثین روایت کرده اند که چون یک سال از زندگی حسین(علیه السلام) گذشت، دوازده فرشته بر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نازل شدند که یکی به صورت شیر، دومی به صورت گاو، سومی به صورت اژدها، چهارمی به صورت آدمیزاد و هشت فرشته دیگر دارای صورتهای مختلف و چهره های قرمز و چشمان گریان بودند، و در حالی که پر و بال خویش را گشوده بودند، می‌گفتند: " یا محمد! همان ستمی که از قابیل بر هابیل وارد آمد، بر فرزندت حسین نیز وارد خواهد شد، و همان پاداشی که به هابیل داده شد به او نیز داده می‌شود و عذاب و گرفتاری کشندگانش، چون عذاب قابیل خواهد بود آن موقع در آسمانها فرشته مقربی نبود، مگر آن که به خدمت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) مشرف شد و سلام نمود و آن حضرت را بر کشته شدن حسین(علیه السلام) تسلیت داد و به آنچه خداوند در عوض شهادتش برای او معین فرموده، خبر داد، و تربت قبر حسین(علیه السلام) را به رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نشان داد، در خلال این احوال پیغمبر فرمود: خداوندا! کسی که فرزندم حسین را خوار کند، ذلیل و خوار گردان و آن را که حسینم را بکشد، بکش و کشته او را به مقصودش نایل نگردان وقتی امام حسین(علیه السلام) دو ساله شد، سفری برای پیامبر(صلی الله علیه وآله) پیش آمد. در بین راه ناگهان آن حضرت ایستاد و فرمود «انا لله وانا الیه راجعون» و اشک از دیدگانش سرازیر شد. علت گریه را سؤال کردند، فرمود: اینک جبرئیل به من از زمینی که نزدیک شط فرات است و «کربلا» نام دارد، خبر می دهد که فرزندم حسین پسر فاطمه(سلام الله علیها) را در آن سرزمین می کشند. پرسیدند: یا رسول الله چه کسی ایشان را میکشد؟! فرمود: شخصی که او را یزید می نامند؛ گویا اکنون جایگاه کشته شدن و محل دفن حسین را به چشم خویش می بینم. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از آن سفر با حال غمگین بازگشتند، و بر فراز منبر رفته، خطبه ای خواند و مردم را موعظه نمود. سپس دست راست خویش را بر سر حسن و دست چپ خود را بر حسین(علیهما السلام) که نزدیکش بودند، نهاد و سر به سوی آسمان برداشت و عرضه داشت: خداوندا! محمد بنده تو و پیغمبر توست و این دو تن از پاکان اهل بیت من و برگزیدگان نسل من هستند. آنان را در میان امت خویش به جانشینی خود باقی می گذارم. جبرئیل به من خبر داده است که این فرزندم را به خواری می کشند. خدایا شهادت را بر او مبارک گردان و او را از سروران شهیدان قرار ده و قاتلان و خوارکنندگان او را مبارک

مگردان. [وقتی سخن رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بدین جا رسید]، مردم در مسجد ضجه می زدند [صدای گریه و ناله از اهل مجلس برخاست]. پیامبر فرمود: آیا برای او گریه می کنید و او را یاری نمی کنید؟! سپس از مسجد خارج شد و پس از لحظه ای به مسجد بازگشت، ولی رنگش متغیر و صورتش برافروخته بود و در این هنگام با دیدگان گریان خطبه مختصری خواند.

گریه شدید حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه بر مسلم بن عقیل علیه السلام

حدثنا الحسين بن أحمد بن إدريس(رحمه الله)، قال: حدثنا أبي، عن جعفر بن محمد بن مالك، قال حدثني محمد بن الحسين بن زيد، قال: حدثنا أبو أحمد محمد بن زياد، قال: حدثنا زياد بن المنذر، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس، قال: قال علي(عليه السلام) لرسول الله(صلی الله علیه وآله): يا رسول الله، إنك لتحب عقيلا؟ قال إني لأحبه حبين: حبا له، وحبا لحب أبي طالب له، وإن ولده لمقتول في محبة ولدك، فتدمع عليه عيون المؤمنين، وتصلى عليه الملائكة المقربون. ثم بكى رسول الله(صلی الله علیه وآله) حتى جرت دموعه على صدره، ثم قال: إلى الله أشكو ما تلقى عترتي من بعدى

الشيخ الصدوق، الوفاة: ٣٨١، الكتاب، الامالي، ج: ١ ص: ١٩١- چاپ اول، الناشر: تحقيق قسم الدراسات

الاسلامية، مؤسسه البعثه، قم، ١٤١٧ هـ. ق

علی «علیه السلام» به رسول خدا «صلی الله علیه وآله» عرضه داشت شما عقیل را خیلی دوست دارید، فرمود آری به خدا از دو جهت به او محبت دارم یکی برای خوبی خودش و یکی برای آنکه ابو طالب دوستش می داشت و فرزندش به خاطر دوستی فرزندت کشته خواهد شد و دیده مؤمنان بر او اشک ریزد و فرشتگان مقرب بر او صلوات فرستند سپس رسول خدا «صلی الله علیه وآله» گریست تا اشکهایش بر سینه اش روان شد سپس فرمود به خدا شکایت می برم از آنچه خاندانم پس از من با آن مواجه می شوند.

گریه حضرت رسول اکرم ص هنگام شنیدن خبر شهادت حضرت امام حسین علیه السلام از

جبرئیل:

حدثنی أبی رحمہ اللہ، عن سعد بن عبد اللہ، عن محمد بن عیسیٰ، عن محمد بن سنان، عن أبی سعید القمّاط، عن ابن أبی یعفور، عن أبی عبد اللہ (علیہ السلام)، قال: بینما رسول اللہ (صلی اللہ علیہ وآلہ) فی منزل فاطمہ والحسین فی حجرہ، إذ بکی وخر ساجدا، ثم قال: یا فاطمہ یا بنت محمد ان العلی الاعلی تراءى لی فی بیتک هذا فی ساعتی هذه فی أحسن صورہ وأهیا هیئہ، فقال لی: یا محمد أتحب الحسین (علیہ السلام)، قلت: نعم یا رب قرہ عینی وریحانتی وثمرہ فؤادی وجلدہ ما بین عینی. فقال لی: یا محمد - ووضعی یدہ علی رأس الحسین (علیہ السلام) - بورک من مولود علیہ برکاتی وصلواتی ورحمتی ورضوانی، ونقمتی ولعنتی وسخطی وعذابی وخزبى ونکالی علی من قتله وناصبه وناواه ونازعه، اما انه سيد الشهداء من الأولین والآخرین فی الدنيا والآخرة، وسيد شباب أهل الجنة من الخلق أجمعین، وأبوه أفضل منه وخیر، فاقرأه السلام وبشره بأنه رایه الهدی ومانار أولیائی، وحفیظی وشہیدی علی خلقی، وخازن علمی، وحجتی علی أهل السماوات وأهل الأرضین والثقلین الجن والإنس.

ابو القاسم جعفر بن محمد بن بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات، ج: ۱ ص: ۶۹

تحقیق: بهراد الجعفری، ناشر: مکتبۃ الصدوق

پدرم که رحمت خدا بر او باد از سعد بن عبد اللہ، از محمد بن عیسیٰ، از محمد بن سنان، از ابی سعید قمّاط، از ابن ابی یعفور، از حضرت امام صادق علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند: روزی رسول خدا صلی اللہ

علیه و آله و سلم در منزل حضرت فاطمه سلام الله علیها تشریف داشته در حالی که حضرت امام حسین علیه السلام در دامن آن جناب بودند، حضرت گریسته و به سجده رفته، سپس فرمودند: ای فاطمه، ای دختر محمد! در این ساعت و در همین مکان خداوند علیّ اعلی در بهترین صورت و زیباترین شکل خود را به من نشان داد و گفت: ای محمد آیا حسین را دوست داری؟ گفتم: بلی، نور دیده و گل خوشبو و میوه دل و پرده ما بین دیده‌گان من است. در حالی که دست بر سر حسین علیه السلام نهاده بود به من فرمود: ای محمد: از مولودی که برکات و رحمت و رضوان من بر اوست، برکت حاصل می‌شود و لعنت و غضب و عذاب و ذلت و عقوبت من بر کسی که او را کشته و با او دشمنی کرده و با وی به جنگ برخاسته است. به طور حتم او سرور و آقای شهدای اولین [امتهای پیشین] و آخرین [آیندگان] در دنیا و آخرت است و در میان مخلوقات آقای تمامی جوانان اهل بهشت است، پدرش از او برتر است پس سلام من را به او برسان و بشارتش بده که او برای دوستان من نشانه ی هدایت است و نگهبان و شاهد من بر خلق و خزانه‌دار علم من و حجت‌م بر اهل آسمان‌ها و زمین و جن و انس می‌باشد.

گریه حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه هنگام بیان چگونگی شهادت اباعبدالله علیه السلام:

حدثنی الحسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن علی بن شجره، عن سلام الجعفی، عن عبد الله بن محمد الصنعانی، عن أبی جعفر (علیه السلام)، قال کان رسول الله (صلی الله علیه وآله) إذا دخل الحسین (علیه السلام) جذبہ إلیه ثم یقول لأمیر المؤمنین (علیه السلام): أمسکة، ثم یقع علیه فیقبله ویبکی یقول: یا أبة لم تبکی، فیقول: یا بنی اقبل موضع السیوف منک وابکی قال: یا أبة واقتل، قال: ای والله وأبوک وأخوک وأنت،

قال: يا أبة فمصارنا شتي، قال: نعم يا بني، قال: فمن يزورنا من أمتك، قال لا يزورني ويزور
أباك وأخاك وأنت الا الصديقون من أمتي

ابو القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسى بن قولويه القمي، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات، ج: ١ ص: ٦٨
تحقيق: بهراد الجعفري، الناشر: مكتبة الصدوق

هر گاه حضرت حسين بن علي عليهما السلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داخل می شدند حضرت او را به
خود می چسبانند و سپس به امیر المؤمنین علیه السلام می فرمودند: او را نگاه دار و پس از آن او را بوسیده و
می گریستند. حسین علیه السلام عرض می کرد: ای پدر چرا گریه می کنی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
می فرمود: فرزندان جاهای شمشیر را بوسیده و می گرییم. حسین علیه السلام عرضه می داشت: ای پدر من کشته
خواهم شد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: بلی به خدا قسم تو و پدرت و برادرت جملگی کشته
خواهید شد.

عرض می نمود: پدر، قبور ما از هم متفرق و پراکنده می باشد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: بلی
پسرم. عرضه داشت: از امت شما چه کسانی به زیارت ما می آیند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: من
و پدرت و برادرت و تو را زیارت نخواهد نمود مگر راست گویان امتم.

گریه حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و حضرت زهراء بر امام حسین علیهما السلام:

حدثني أبي ومحمد بن الحسن جميعا، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن
عيسى، عن ابن فضال، عن عبد الله ابن بكير، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله (عليه
السلام)، قال: دخلت فاطمة (عليها السلام) على رسول الله (صلى الله عليه وآله) وعيناه تدمع،

فسألته مالك، فقال: ان جبرئيل(عليه السلام) أخبرني ان أمتي تقتل حسينا، فجزعت و شق عليها، فأخبرها بمن يملك من ولدها، فطابت نفسها وسكنت

ابو القاسم جعفر بن محمد بن بن جعفر بن موسى بن قولويه القمي، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات، ج: ١ ص: ٥٦
تحقيق: بهراد الجعفری، الناشر: مكتبة الصدوق

حضرت فاطمه سلام الله عليها بر رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم داخل شده در حالی که چشمان آن جناب اشک بار بود. حضرت فاطمه سلام الله عليها از آن جناب پرسیدند: شما را چه می شود؟ رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمودند: جبرئیل علیه السلام به من خبر داده که ائمتم به زودی حسین را می کشند. پس فاطمه عليها السلام به جزع آمده و جامه خود را پاره کرده. رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم که حال را مشاهده نمودند به آن حضرت خبر دادند که یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت. در این هنگام ایشان [حضرت زهرا سلام الله عليها] آرام گرفت.

گریه حضرت رسول اکرم صلوات الله عليه هنگام خبر دادن از شهادت پنج تن ال عبا عليهم السلام:

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد(رضي الله عنه)، قال: حدثنا أحمد بن إدريس ومحمد بن يحيى العطار جميعا، عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري، قال: حدثنا أبو عبد الله الرازي، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن سيف بن عميرة، عن محمد بن عتبة، عن محمد بن عبد الرحمن، عن أبيه، عن علي بن أبي طالب(عليه السلام)، قال: بينا أنا وفاطمة والحسن والحسين عند رسول الله(صلى الله عليه وآله)، إذا التفت إلينا فبكي، فقلت: ما يبكيك يا رسول الله؟ فقال: أبكي مما يصنع بكم بعدى. فقلت: وما ذاك يا رسول الله؟ قال:

أبكى من ضربتك على القرن، ولطم فاطمة خدها، وطعنه الحسن في الفخذ، والسهم الذي يسقى، وقتل الحسين قال: فبكى أهل البيت جميعا، فقلت: يا رسول الله، ما خلقنا ربنا إلا للبلاء! قال: ابشريا على، فإن الله عز وجل قد عهد إلى أنه لا يحبك إلا مؤمن، ولا يبغضك إلا منافق الشيخ الصدوق، الوفاة: ٣٨١، الكتاب، الامالي، ج: ١ ص: ١٩٧، چاپ اول، الناشر: تحقيق قسم الدراسات الاسلاميه، مؤسسه البعثه، قم، ١٤١٧ هـ. ق

علی بن ابی طالب فرمود در این میان که من و فاطمه و حسن و حسین نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بودیم آن حضرت بما رو کرد و گریست من گفتم چرا گریه کنید یا رسول الله؟ فرمود میگیریم برای آنچه با شما عمل می شود، گفتم آن چه باشد یا رسول الله؟ فرمود گریه کنم از ضربتی که بر فرق تو زند و از سیلی که بر گونه فاطمه زند و از نیزه ای که بر ران حسن زند و زهری که باو نوشاند و از قتل حسین (علیه السلام) فرمود همه اهل بیت گریستند؛ امیر مؤمنان می فرماید: گفتم یا رسول الله خدا ما را نیافریده جز برای بلا، فرمود مژده گیر ای علی که خدای عز و جل با من عهد کرده که جز مؤمن تو را دوست ندارد و جز منافق با تو دشمنی نمی کند.

نقل گریه حضرت رسول اکرم بر امام حسین علیهما السلام از زبان امام صادق علیه السلام

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ الْحُسَيْنِ التَّغْلِبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ لَهَا لَا يَدْخُلُ عَلَيَّ أَحَدٌ فَجَاءَ الْحُسَيْنُ عَ وَهُوَ طِفْلٌ فَمَا مَلَكَتُ مَعَهُ شَيْئًا حَتَّى دَخَلَ عَلَيَّ النَّبِيُّ ص فَدَخَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَلَيَّ أَثَرَهُ فَإِذَا الْحُسَيْنُ عَلَيَّ صَدْرِهِ وَإِذَا النَّبِيُّ ص يَبْكِي وَإِذَا فِي يَدِهِ شَيْءٌ يُقْبَلُهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ص يَا أُمَّ سَلَمَةَ إِنَّ هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ هَذَا مَقْتُولٌ وَهَذِهِ التُّرْبَةُ الَّتِي يُقْتَلُ عَلَيْهَا فَضَعِيهِ عِنْدَكَ فَإِذَا صَارَتْ دَمًا فَقَدْ قُتِلَ حَبِيبِي فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلِ اللَّهَ أَنْ

يَدْفَعُ ذَلِكَ عَنْهُ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ أَنْ لَهُ دَرَجَةٌ لَا يَنَالُهَا أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ
وَ أَنْ لَهُ شِيعَةٌ يَشْفَعُونَ فَيُشَفَّعُونَ وَ أَنْ الْمَهْدِيَّ مِنْ وُلْدِهِ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ مِنْ أَوْلِيَاءِ الْحُسَيْنِ وَ
شِيعَتِهِ هُمْ وَ اللَّهُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

الشيخ الصدوق، الوفاء: ٣٨١، الكتاب، الامالي، ج: ١ ص: ٣٢٩، تحقيق: الشيخ احمد الماحوزي، الناشر: موسسه
الصادق للطباعة والنشر

امام صادق عليه السلام فرمود: پیغمبر در خانه ام سلمه بود و باو سفارش کرد کسی نزد او نیاید امام حسین علیه
السلام که در آن زمان خردسال بود، آمد و نتوانست مانع او شود و وی بر پیامبر وارد شد؛ حضرت ام سلمه
دنبالش رفت؛ حسین روی سینه پیغمبر بود و پیغمبر گریه میکرد و چیزی را در دست خود زیر و رو میکرد پیغمبر
فرمود ای ام سلمه این جبرئیل است که به من خبر می دهد که حسین کشته می شود و این خاکی است که روی
آن کشته شود آن را نزد خود نگهدار و وقتی خون شد حبیبم [حسین] کشته شده است، ام سلمه عرضه داشت یا
رسول الله از خدا بخواه که این مساله را از او دفع کند، فرمود خواستم و خدا فرمود او را درجه ای باشد که احدی
از مخلوقات بدان نرسیده و او را شیعیانی است که شفاعت کنند و پذیرفته شود و به راستی مهدی از فرزندان او
است خوشا بر کسی که از دوستداران حسین باشد و همانا شیعیانش روز قیامت کامیابند.

نقل گریه حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و آله از زبان حضرت ام سلمه سلام الله علیها

وروی سماک، عن ابن مخارق، عن أم سلمة رضي الله عنها قالت: بينا رسول الله صلى الله
عليه وآله ذات يوم جالس والحسين عليه السلام جالس في حجره، إذ هملت عيناه بالدموع،
فقلت له: يا رسول الله، ما لي أراک تبکی، جعلت فداک؟! فقال: جاءني جبرئيل عليه السلام
فعزاني بابني الحسين، وأخبرني أن طائفه من أمتي تقتله، لا أنالهم الله شفاعتي

مفید، محمد بن محمد، الوفاة: ۴۱۳ ق، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج: ۲، ص: ۱۳۰، تحقیق: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، الناشر: کنگره شیخ مفید ۱۴۱۳ ق

سماک از ام سلمه رضی الله عنها روایت کند که گفت: روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نشسته بود و حسین علیه السلام نیز در دامانش بود بناگاه اشک از دیدگانش سرازیر شد، من عرض کردم: ای رسول خدا قربانت شوم چرا اشک میریزید؟ فرمود: جبرئیل نزد من آمد و برای فرزندم حسین به من تسلیت گفت و به من خبر داد که گروهی از امت من او را می کشند، خداوند شفاعت مرا نصیب شان نگرداند.

گریه حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و آله بر امام حسین علیه السلام به نقل صغیه

دختر عبدالمطلب

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي عَلِيِّ بْنِ عَبْدِوَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ السُّكْرِيُّ
قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ يَزِيدَ
عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ ع عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ صَغِيئَةٍ
بِنْتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قَالَتْ: لَمَّا سَقَطَ الْحُسَيْنُ ع مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَدَفَعْتُهُ إِلَى النَّبِيِّ ص فَوَضَعَ النَّبِيُّ
لِسَانَهُ فِي فِيهِ [فَمِهِ] وَ أَقْبَلَ الْحُسَيْنُ عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ يَمُصُّهُ قَالَتْ وَ مَا كُنْتُ أَحْسَبُ
رَسُولَ اللَّهِ يَعْذُوهُ إِلَّا لَبَنًا أَوْ عَسَلًا... فَقَبَّلَ النَّبِيُّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَيَّ وَ هُوَ يَبْكِي وَ يَقُولُ لَعَنَ
اللَّهُ قَوْمًا هُمْ قَاتِلُوكَ يَا بُنَى يَقُولُهَا ثَلَاثًا قَالَتْ فَقُلْتُ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَنْ يَقْتُلُهُ قَالَ بَقِيَّةُ الْفِتْنَةِ
الْبَاغِيَةِ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ.

الشيخ الصدوق، الوفاة: ۳۸۱، الكتاب، الامالی، ج: ۱ ص: ۳۲۰، تحقیق: الشيخ احمد الماحوزی، الناشر: مؤسسه

الصادق للطباعة والنشر

صفیه [عمه پیامبر صلی الله علیه وآله] می گوید: چون حسین متولد شد او را به پیغمبر(صلی الله علیه وآله) دادم پیغمبر زبان خود در دهانش نهاد و حسین شروع بمکیدن کرد و من فهمیدم که گویا رسول خدا شیر و عسل باو می خوراند... پیغمبر میان دو چشمش را بوسید و او را به من داد در حالی که می گریست و سه بار فرمود خدا لعنت کند مردمی را که تو را می کشند عرض کردم پدر و مادرم فدای شما چه کسی او را می کشد؟ فرمود بقیه گروه گمراه از بنی امیه.

گریه حضرت امیر المومنین علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

روایات نقل شده در باب گریه حضرت امیر المومنین علیه السلام در قبل و بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، گرچه نسبت به روایات نقل شده از حضرت پیامبر اکرم صلوات الله علیه کمتر می باشد، ولی مشتمل بر تعابیری است که نشان از حزن شدید حضرت امیر المومنین علیه السلام نسبت به مصیبت وارد شده بر ابا عبدالله علیه السلام، می باشد. در این مجال به ذکر روایات آن حضرت می پردازیم.

گریه بر امام حسین علیه السلام قبل از شهادت:

حدثنا محمد بن أحمد السناني(رضی الله عنه)، قال: حدثنا أحمد بن يحيى بن زكريا القطان، قال: حدثنا بكر بن عبد الله بن حبيب، قال: حدثنا تميم بن بهلول، قال: حدثنا علي بن عاصم، عن الحسين بن عبد الرحمن، عن مجاهد، عن ابن عباس، قال: كنت مع أمير المؤمنين(عليه السلام) في خروجه إلى صفين، فلما نزل بنينوى وهو شط الفرات، قال بأعلى صوته: يا بن عباس، أتعرف هذا الموضع؟ فقلت له: ما أعرفه، يا أمير المؤمنين. فقال علي(عليه السلام): لو عرفته كمعرفتي لم تكن تجوزه حتى تبكي كبكائي. قال: فبكي طويلا حتى اخضلت لحيته

وسالت الدموع على صدره، وبكىنا معاً، وهو يقول: أوه أوه، مالى ولآل أبى سفيان، مالى ولآل حرب، حزب الشيطان، وأولياء الكفر، صبرا - يا أبا عبد الله - فقد لقي أبوك مثل الذى تلقى منهم. ثم دعا بماء فتوضأ وضوءه للصلاة وصلى ما شاء الله أن يصلى، ثم ذكر نحو كلامه الاول، إلا أنه نعس عند انقضاء صلاته وكلامه ساعة، ثم انتبه فقال: يا ابن عباس. فقلت: ها أنا ذا. فقال: ألا أحدثك بما رأيت فى منامى أنفا عند رقدتى؟ فقلت: نامت عيناك ورأيت خيراً، يا أمير المؤمنين. قال: رأيت كأنى برجال قد نزلوا من السماء معهم أعلام بيض، قد تقلدوا سيوفهم، وهى بيض تلمع، وقد خطوا حول هذه الارض خطه، ثم رأيت كأن هذه النخيل قد ضربت بأغصانها الارض تضطرب بدم عبيط، وكأنى بالحسين سخلى وفرخى ومضغتى ومخى قد غرق فيه، يستغيث فلا يغاث، وكأن الرجال البيض قد نزلوا من السماء ينادونه ويقولون: صبرا آل الرسول، فإنكم تقتلون على أيدي شرار الناس، وهذه الجنة - يا أبا عبد الله - إليك مشتاقه. ثم يعزوننى ويقولون: يا أبا الحسن، أبشر، فقد أقر الله به عينك يوم القيامة، يوم يقوم الناس لرب العالمين، ثم انتبهت هكذا. والذى نفس على بيده، لقد حدثنى الصادق المصدق أبو القاسم(صلى الله عليه وآله) أنى سأراها فى خروجى إلى أهل البغى علينا، وهذه أرض كرب وبلاء، يدفن فيها الحسين وسبعة عشر رجلاً من ولدى وولد فاطمة، وأنها لفى السماوات معروفة، تذكر أرض كرب وبلاء كما تذكر بقعة الحرمين وبقعة بيت المقدس....

الشيخ الصدوق، الوفاة: ٣٨١، الكتاب، الامالى، ج: ١ ص: ٦٩٤-٦٩٥، چاپ اول، الناشر: تحقيق قسم الدراسات

الاسلامية، مؤسسة البعثة، قم، ١٤١٧ هـ. ق

ابن عباس می گوید زمانی که امیر مؤمنان علیه السلام به سمت منطقه صفین حرکت می کردند، به همراه ایشان بودم؛ وقتی به نینوا در کنار فرات رسید با صدای بلند فریاد زد ای پسر عباس اینجا را میشناسی؟ عرضه داشتم خیر ای امیر المؤمنین، فرمود اگر همانند من اینجا می شناختی از آن عبور نمی کردی مگر اینکه مثل من می گریستی و آنقدر گریست که محاسن مبارکش خیس شد و اشک بر سینه اش روان شد و با هم گریه کردیم و می فرمود وای وای مرا با آل ابو سفیان چه کار؟!، با آل حرب چه کار؟! آنان حزب شیطان و اولیای کفر هستند؛ صبر کن ای ابا عبد الله که پدرت همانند آنچه [ظلم و ستم] را تو از آنها خواهی دید، از آنها دیده است. سپس آن حضرت درخواست آب نمود برای نماز وضو گرفت و بسیار نماز خواند سپس سخن خود را باز گفت و بعد از نماز و گفتارش به خواب رفت سپس بیدار شد و گفت یا ابن عباس گفتم بلی، فرمود خوابی که اکنون دیدم برایت بگویم گفتم خیر است ان شاء الله گفت در خواب دیدم گویا مردانی با پرچمهای سفید و شمشیرهای درخشان بکمر از آسمان فرود آمدند و گرد این زمین خطی کشیدند و دیدم گویا این نخلها شاخه های خود را با خون تازه بر زمین زدند و دیدم گویا حسین فرزند و جگر گوشه ام در آن غرق است و فریاد میزند و کسی به فریادش نمی رسد و آن مردان آسمانی میگویند صبر کنید ای آل رسول شما به دست بدترین مردم کشته می شوید؛ ای حسین بهشت مشتاق تو می باشد و سپس آن مردان به من تسلیت گفته و فرمودند ای ابو الحسن بر تو مژده باد که حسین در روز قیامت مایه چشم روشنی توست. سپس با این حال بیدار شدم.

به حق آنکه جانم به دست اوست پیامبر راستگو و تصدیق شده به من گفت که من آن سرزمین [کربلا] را هنگامی که برای مقابله با شورشیان [معاویه و لشکریانش]، خارج می شوم، خواهم دید، این زمین کرب و بلا است که حسین با هفده مرد از فرزندان من و فاطمه در آن بخاک می روند و آن در آسمانها معروف است و بنام زمین کرب و بلا شناخته شده است چنانچه زمین حرمین (مکه و مدینه) و زمین بیت المقدس یاد شوند...

عبور امیر مؤمنان علیه السلام از کربلا:

و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: مَرَّ عَلِيٌّ بِكَرْبَلَاءَ فِي اثْنَيْنِ مِنْ أَصْحَابِهِ. قَالَ: فَلَمَّا مَرَّ بِهَا تَرَفَّرَتْ عَيْنَاهُ لِلْبُكَاءِ، ثُمَّ قَالَ: هَذَا مُنَاخُ رِكَابِهِمْ، وَ هَذَا مُلْقَى رِحَالِهِمْ، وَ هَاهُنَا تُهْرَاقُ دِمَاؤُهُمْ، طُوبَى لَكَ مِنْ تُرْبِهِ عَلَيْكَ تُهْرَاقُ دِمَاءُ الْأَحِبَّةِ

عبد الله بن جعفر حمیری، الوفاة: نیمه دوم قرن ۳ ه ق، قرب الإسناد(ط- الحدیثه) ج: ۱ ص: ۲۶، تحقیق: گروه

پژوهش در مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، الناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام ۱۴۱۳ ه ق

وقتی حضرت امیر با دو نفر از یاران خود از کربلا عبور کرد چشمان مبارکش پر از اشک شد و فرمود: اینجا محل پیاده شدن ایشان است. اینجا محل اثاث و خیمه گاه آنان میباشد، اینجا خونشان ریخته خواهد شد، خوشا به حال تو خاکی که خونهای محبوبها روی تو ریخته خواهد شد

گریه حضرت علی علیه السلام و ابن عباس بر امام حسین علیه السلام:

لقد دخلت علی علی علیه السلام بذي قار، فأخرج إلي صحيفه وقال لي: يا بن عباس، هذه صحيفه أملاها علی رسول الله صلى الله عليه وآله وخطی بیدی. فقلت: يا أمير المؤمنين، إقرأها علی فقرأها، فإذا فيها كل شيء كان منذ قبض رسول الله صلى الله عليه وآله إلى مقتل الحسين علیه السلام وكيف يقتل ومن يقتله ومن ينصره ومن يستشهد معه. فبکی بکاء شديدا وأبکانی

فكان فيما قرأه علی: كيف يصنع به وكيف يستشهد فاطمه وكيف يستشهد الحسن ابنه وكيف

تغدر به الأمة. فلما أن قرأ كيف يقتل الحسين ومن يقتله أكثر البكاء، ثم أدرج الصحيفه وقد

بقي ما يكون إلى يوم القيامة

سليم بن قيس الهلالي، الوفاة: اواخر سال ۷۶ هجری، كتاب سليم بن قيس الهلالي ج: ۱ ص: ۴۳۵، تحقيق:

محمد باقر الانصاری الزنجانی، چاپ اول، الناشر: نشر الهادی، قم، ایران ۱۴۲۰ هـ ق، ۱۳۷۸ هـ ش

ابن عباس گفت: روزی در ذی قار خدمت امیر المؤمنین علیه السلام وارد شدم. حضرت کتابی را برایم بیرون آورد و فرمود: ای ابن عباس، این کتابی است که پیامبر صلی الله علیه و آله بر من املا فرموده و دست خط خودم است.

عرض کردم: یا امیر المؤمنین، آن را برایم بخوان. حضرت آن را خواند و در آن بود همه آنچه از زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمان شهادت امام حسین علیه السلام اتفاق افتاده و اینکه چگونه کشته می شود و چه کسی او را می کشد و چه کسی او را یاری می کند و چه کسانی همراه او شهید می شوند. آن حضرت بشدت گریه کرد و مرا به گریه در آورد.

از جمله آنچه برایم خواند این بود که با خود آن حضرت چه می کنند، و چگونه حضرت زهرا علیها السلام شهید می شود، و چگونه پسرش امام حسن علیه السلام به شهادت می رسد و چگونه امت به او غدر و حيله می کنند. وقتی کیفیت قتل امام حسین علیه السلام را خواند بسیار گریست، و سپس آن کتاب را بست، و بقیه آنچه تا روز قیامت واقع می شود باقی ماند

گریه حضرت زهرا سلام الله علیها بر امام حسین علیه السلام

روایات نقل شده در این زمینه از حضرت زهرا علیها السلام نیز، منحصر به گریه آن حضرت نمی باشد بلکه در بعضی از این روایات، تعابیر سوزناک تری مانند «شهقه» به کار رفته است که دلالت بر فریاد زدن حضرت زهرا در حین گریه می کند، و نیز بعضی از روایات دلالت بر نوحه سرایی آن بزرگوار می کند، که به روشنی و صراحت در روایت نقل شده است.

شهقه وگریه شدید حضرت زهرا سلام الله علیها:

حدَّثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم قال: حدَّثنا الهيثم بن واقد، عن عبدالملك بن مقرر، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إذا زرتم أبا عبدالله عليه السلام فألزموا الصمت إلا من خير، وإن ملائكة الليل والنهار من الحفظة تحضر الملائكة الذين بالحائر، فتصافحهم فلا يجيبونهم من شدة البكاء فينتظرونهم حتى تزول الشمس وحتى ينور الفجر، ثم يكلمونهم ويسألونهم عن أشياء من أمر السماء، فأما ما بين هذين الوقتين فإنهم لا ينطقون، ولا يفترون عن البكاء والدعاء، ولا يشغلونهم في هذين الوقتين عن أصحابهم، وإنما شغلهم بكم إذا نطقتم.

قلت: جعلت فداك وما الذي يسألونهم عنه وأيهم يسأل صاحبه؛ الحفظة أو أهل الحائر؟ قال: أهل الحائر يسألون الحفظة، لأن أهل الحائر من الملائكة لا يبرحون، والحفظة تنزل وتصعد، قلت: فما ترى يسألونهم عنه؟ قال: إنهم يمرُّون إذا عرجوا بإسماعيل صاحب الهواء، فربما وافقوا النبي صلى الله عليه وآله وسلم وعنده فاطمة والحسن والحسين والأئمة من مضى منهم فيسألونهم عن أشياء، وعن حضر منكم الحائر، ويقولون: بشروهم بدعائكم، فتقول الحفظة: كيف نبشروهم وهم لا يسمعون كلامنا؟ فيقولون لهم: باركوا عليهم وادعوا لهم عنّا فهي البشارة منّا، فإذا انصرفوا فحقوقهم بأجنتكم حتى يحسوا مكانكم وإننا نستودعهم الذي لا تضيع ودائعه؛

ولو يعلمون ما في زيارته من الخير ويعلم ذلك الناس لاقتتلوا على زيارته بالسيوف، ولباعوا

أموالهم في إتيانه، وأن فاطمة عليها السلام إذا نظرت إليهم ومعها ألف نبي وألف صديق وألف

شهيد من الكروبين ألف ألف يسعدونها على البكاء، وإنها لتشهق شهقة فلا يبقى في

السموات ملك إلا بكى رحمةً لصوتها، وما تسكن حتى يأتيها النبي صلى الله عليه وآله وسلم

فيقول: يا بنية قد أبكيت أهل السموات وشغلتهم عن التسبيح والتكديس فكفى حتى يقدسوا،

فإن الله بالغ أمره، وإنها لتنظر إلى من حضر منكم فتسأل الله لهم من كل خير، ولا تزهدوا في

إتيانه! فإن الخير في إتيانه أكثر من أن يحصى».

جعفر بن محمد بن قولويه، الوفاة: ٣٦٨، كامل الزيارات: ج: ١ ص: ٩١، تحقيق: بهراد الجعفري، الناشر: مكتبة الصدوق

وقتی به زیارت حضرت ابا عبد الله علیه السلام رفتید در آنجا سکوت اختیار کرده و کلامی نگوئید مگر سخن

نیک و خیر، زیرا فرشتگان شب و روز که از نگهبانان و حافظین هستند نزد فرشتگانی که در حائر حسینی

می باشند آمده و با ایشان مصافحه کرده ولی ایشان از شدت گریه و ناراحتی که دارند جواب آنها را نداده بناچار

آنها صبر می کنند تا ظهر فردا برسد و صبح طلوع نماید سپس آنان با ایشان سخن گفته و راجع به امور آسمانی

سؤالاتی را مطرح می نمایند ولی بین این دو

وقت (صبح و ظهر) ادا صحبت نکرده و از گریستن و دعاء نمودن کوتاهی نمی کنند و در این دو وقت آن

فرشتگان نیز ایشان را از یارانشان منصرف و مشغول نمی کنند تنها وقتی شما سخن گفته و تکلم می نمائید ایشان

مشغول و منصرف می گردند. راوی می گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، چه چیزی را

سؤال می کنند و کدامیک از دیگری می پرسد آیا فرشتگان نگهبان و حافظ از فرشتگان حائر سؤال می کنند یا

بالعکس؟ حضرت فرمودند:

فرشتگان اهل حائر از حافظین و نگهبانان می پرسند، زیرا فرشتگان حائر از آنجا دور نشده و به جایی دیگر

نمی روند ولی حافظین، و نگهبانان به زمین نزول کرده و از آن به آسمان صعود می کنند عرض کردم: نظر شما

راجع به سؤال آنها چه بوده و می‌فرمائید از چه چیز سؤال می‌کنند؟ حضرت فرمودند: حافظین وقتی به آسمان عروج می‌کنند عبورشان به اسماعیل یعنی صاحب هواء می‌افتد و بسا با نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ملاقات کرده در حالی که نزد آن جناب حضرات فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السلام (مقصود حضرات ائمه ماضی بوده نه امام حاضر علیه السلام) حضور دارند پس فرشتگان از ایشان راجع به اشیائی چند و در باره آنان که از شما در حائر حاضر می‌شوند سؤالاتی می‌کنند؟

حضرات معصومین علیهم السلام در پاسخ سؤالاتشان می‌فرمایند:

زائرین را بشارت دهید و به دعائی که برای ایشان می‌نمائید مژده دهید.

فرشتگان حافظ عرض می‌کنند: چگونه به ایشان بشارت دهیم در حالی که صدای ما را نمی‌شنوند؟

حضرات معصومین علیهم السلام به ایشان می‌فرمایند: برای ایشان دعاء کنید که برکات حق تعالی بر ایشان مداوم باشد و نیز از جانب ما ایشان را دعاء نمایند و این خود بشارتی است از ما به ایشان و وقتی از زیارت برگشتند با بال‌هایتان ایشان را نوازش کنید، بطوری که شما را حس و درک نمایند و ما ایشان را به امانت نزد شما می‌سپاریم و امید است که این ودائع ضایع و تباه نشوند. و اگر خیر و برکتی که در زیارت آن جناب است مردم می‌دانستند قطعا و به طور حتم در نائل شدن به زیارت آن حضرت با شمشیر با یک دیگر به مقاتله پرداخته و مال‌های خود را فروخته و به زیارت آن جناب می‌رفتند.

و حضرت فاطمه علیها السلام هر گاه به ایشان (زائرین) نظر نمایند در حالی که با وی هزار پیغمبر و هزار صدیق و هزار شهید از کروبین می‌باشند هزار هزار (یک میلیون) نفر آن حضرت را بر گریستن یاری و همراهی می‌کنند و آن حضرت چنان فریاد می‌زنند که هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها باقی نمی‌ماند مگر آنکه از صدای ایشان بگریه می‌افتد، و آن حضرت آرام نمی‌گیرند تا وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به نزد ایشان آمده و می‌فرمایند: دخترم، اهل آسمان‌ها را به گریه انداختی و ایشان را از تسبیح و تقدیس حق تعالی بازداشتی، پس خودداری کن تا ایشان به تقدیس حق پردازند چه آنکه امر و فرمان خدا بر همه چیز نافذ و روان می‌باشد. سپس امام علیه السلام فرمودند: حضرت فاطمه علیها السلام به کسانی که از شما به زیارت سید الشهداء روند نظر

فرموده و از خداوند مَنّان برای ایشان هر خیر و خوبی را مسألت می‌نمایند، مبدا در رفتن، به زیارت آن جناب بی‌رغبت باشید چه آنکه خیری که در زیارت آن حضرت است بیشتر از آنست که بتوان احصاء و شمارش نمود

نوحه سرایی حضرت زهرا سلام الله علیها در عزای امام حسین علیه السلام:

أمالی المفید النیسابوری أن زره النائحه رأت فاطمه علیها السلام فیما یری النائم أنها وقفت

على قبر الحسین تبکی وأمرتها أن تنشد:

أیها العینان فیضا واستهلا لا تغیظا

وابکیا بالطف میتا ترک الصدر رضیضا

لم أمرضه قتیلا لا ولا کان مریضا

ابن شهر آشوب، الوفاة: ۵۸۸ هـ، مناقب آل أبي طالب، ج ۳ ص ۲۲۰، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الاشرف،

الناشر: المطبعة الحیدریة

شیخ جلیل محمدبن شهر آشوب از (امالی) مفید نیشابوری نقل فرموده که (زره نوحه خوان) در خواب دید حضرت فاطمه علیها السلام را که بر سر قبر حسین علیه السلام است و او را فرمان داد که حسین علیه السلام را بدین اشعار مرثیه کن:

ای دو چشمان وای دودیده من اشک بسیار از چشم و دیده اشکبار بریزید، زیاد گریه کنید، و باشک کم اکتفا نکنید، و گریه کنید بر آن شهیدی که در زمین کربلا افتاده و سینه اش زیر سم اسبها شکسته شده است مریض نبود و از دار دنیا رفته است یعنی نه مریض از دنیا رفت بلکه او را کشتند.

نقل گريه حضرت زهرا بر امام حسين عليهما السلام از زبان امام صادق عليه السلام:

حدَّثني محمد بن عبدالله، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن عبدالله بن مُشكان، عن أبي بصير « قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام [و] أحدثته، فدخل عليه ابنه فقال له: مَرِحَباً، وضمه وقبله، وقال: حَقَرَ اللهُ مَنْ حَقَرَكُمْ، وانتقم مِمَّنْ وَتَرَكم، وخَذَلَ اللهُ مَنْ خَذَلَكم، ولعن اللهُ مَنْ قَتَلَكم، وكان اللهُ لَكُمْ ولياً وحافظاً وناصرأً، فقد طال بُكاءُ النِّساءِ وبُكاءُ الأنبياءِ والصِّدِّيقينِ والشَّهداءِ وملائكةِ السَّماءِ، ثمَّ بكى وقال: يا أبا بصير إذا نظرتُ إلى وُلْدِ الحسينِ أتاني ما لا أملكه بما أتى إلى أبيهم وإليهم، يا أبا بصير إنَّ فاطمةَ عليها السلام لتبكيه وتشهق، فتزفر جهنم زفرةً لولا أنَّ الخزنةَ يسمعون بُكاءَها وقد استعدُّوا لذلك مخافةً أن يخرج منها عُقْبُ أو يشرَّ دُخانها فيحرق أهل الأرض فيكبِّحونها ما دامت باكيةً، ويزجرونها ويستوثقون من أبوابها مخافةً على أهل الأرض، فلا تسكن حتى يسكن صوتُ فاطمةَ عليها السلام.

وإنَّ البحار تكاد أن تنفث فيدخل بعضها على بعض، وما منها قطرةٌ إلا بها ملكٌ موكلٌ، فإذا سمع الملك صوتها أطفأ نارها بأجنحته، وحبس بعضها على بعض مخافةً على الدنيا وما فيها، ومَن على الأرض، فلا تزال الملائكةُ مُشْفِعينَ يَبكون لبكائها، ويدعون الله ويتضرعون إليه، ويتضرع أهل العرش ومَن حوله؛

وترفع أصواتُ مِنَ الملائكةِ بالتَّقدِيسِ لله مخافةً على أهل الأرض، ولو أنَّ صوتاً من أصواتهم يصل إلى الأرض لصعق أهل الأرض وتقطعت الجبال وزلزلت الأرض بأهلها.

قلت: جُعِلَتْ فداك إنَّ هذا الأمر عظيم! قال: غَيْرُهُ أَعْظَمُ مِنْهُ مَا لَمْ تَسْمَعَهُ، ثُمَّ قَالَ لِي: يَا أَبَا بصير أما تحبُّ أن تكون فيمن يُسعد فاطمةَ عليها السلام؟ فبكيت حين قالها فما قدرت على النَّطق، وما قدر(كذا) على كلامي من البكاء، ثُمَّ قَامَ إِلَى الْمَصَلَّى يَدْعُو، فَخَرَجَتْ مِنْ عِنْدِهِ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ، فَمَا انْتَفَعَتْ بِطَعَامٍ وَمَا جَاءَنِي النَّوْمُ، وَأَصْبَحْتُ صَائِماً وَجَلًّا حَتَّى أَتَيْتَهُ، فَلَمَّا رَأَيْتَهُ قَدْ سَكَنَ سَكَنَتْ، وَحَمَدْتُ اللَّهَ حَيْثُ لَمْ تُنْزَلْ بِي عُقُوبَةٌ»

ابو القاسم جعفر بن محمد بن بن جعفر بن موسى بن قولويه القمي، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات، ج: ١ ص: ٨٥.

تحقيق: بهراد الجعفری، الناشر: مكتبة الصدوق

عبد الله بن مسكان، از ابو بصير نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السلام بوده و برای آن جناب سخن می‌گفتم در این هنگام یکی از فرزندان حضرت داخل شد. امام علیه السلام به او فرمودند: بارک الله و او را به سینه خود چسبانده و وی را بوسیده و فرمودند:

خدا ذلیل کند کسانی را که شما را ذلیل کنند و انتقام کشد از آنان که به شما ظلم کنند، و خوار کند افرادی را که شما را خوار کنند، و لعنت کند اشخاصی را که شما را می‌کشند و خدا ولی و حافظ و ناصر شما باشد، زنان و انبیاء و صدیقین و شهداء و فرشتگان آسمان بسیار بر شما گریستند، سپس آن حضرت گریسته و فرمودند: ای ابو بصیر هر گاه به بچه‌های حضرت حسین علیه السلام می‌نگرم به واسطه مصیبت و ظلمی که به پدرشان و خودشان شده حالتی به من دست می‌دهد که قابل کنترل نیست.

ای ابو بصیر: فاطمه علیها السلام بر آن حضرت گریست و زجه زده و به دنبال آن جهنم فریادی کشید و جیغی زد که فرشتگان حافظ و نگهبان بر آن، صدای گریه دوزخ را شنیدند و سریع آماده شدند آن را کنترل کنند زیرا خوف آن بود که از درون دوزخ آتش زبانه کشد یا دود آن بیرون رفته و اهل زمین را بسوزاند لذا تا مادامی که دوزخ گریان و نالان است فرشتگان حافظ آن را مهار کرده و به جهت خوف و هراسی که بر اهل زمین دارند آن

را محافظت نموده و درب‌های آن را محکم بسته‌اند ولی در عین حال دوزخ ساکت و آرام نمی‌شود مگر صدای فاطمه علیها السلام آرام گردد

ای ابو بصیر دریاها نزدیک بود شکاف برداشته در نتیجه برخی در بعضی دیگر داخل شوند و قطره‌ای از آب دریاها نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکل است، لذا هر گاه فرشته موکل بانک دریا و خروش آن را بشنود با زدن بالش خروش و طغیان را خاموش و ساکت می‌کند و آنها را حبس و نگاه داشته تا بر یک دیگر داخل و وارد شوند و این نیست مگر بخاطر خوف و هراس بر دنیا و آنچه در آن و کسانی که بر روی زمین می‌باشند و پیوسته فرشتگان از روی شفقت و ترحم به واسطه گریستن دریاها می‌گیرند و خدا را خوانده و به جانبش تضرع و زاری نموده و اهل عرش و اطراف آن نیز جملگی در تضرع و ناله می‌باشند. صداهای فرشتگان بلند است که به خاطر خوف و هراس بر اهل زمین همواره حق تعالی را تقدیس و تنزیه می‌نمایند و اگر احیانا صدای آنها به زمین برسد اهل زمین به فریاد آمده و کوهها قطعه قطعه شده و زمین اهلس را می‌لرزاند.

ابو بصیر می‌گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتیم: فدایت شوم این امر بسیار عظیم و بزرگ است! حضرت فرمودند: از این عظیم‌تر غیر آن، یعنی خبری که نشنیده‌ای می‌باشد. سپس فرمودند: ای ابو بصیر! دوست نداری در زمره کسانی باشی که حضرت فاطمه علیها السلام را کمک می‌کنند؟ ابو بصیر می‌گوید: وقتی امام علیه السلام این کلام را فرمودند بطوری که گریه به من دست داد که قادر بر سخن گفتن نبودم و چنان بغض گلویم را می‌فشرد که توانایی بر تکلم نداشتم. سپس حضرت پیا خواسته و به نمازخانه تشریف برده و به خواندن دعا پرداختند. پس از مجلس حضرت با چنین حالی بر خاسته و بیرون آمدم پس نه طعام خوردم و نه خوابیدم و صبح روز بعد را با حالی ترسان روزه گرفته تا آنکه محضر مبارکش دوباره مشرف شدم پس وقتی آن جناب را ساکن و آرام دیدم من نیز آرام گرفتم و از اینکه عقوبت و بلائی بر من نازل نشده حق تعالی را حمد و ستایش نمودم

گریه حضرت زهرا علیها السلام هنگام ولادت امام حسین علیه السلام:

حدَّثنا محمد بن علی ماجیلویه رضی اللہ عنہ قال: حدَّثنی عمی محمد بن أبی - القاسم، عن أحمد بن أبی عبد اللہ البرقی قال: حدَّثنی محمد بن علی القرشی قال: حدَّثنی أبو الربیع الزهرانی قال: حدَّثنا جریر عن لیث بن أبی سلیم، عن مجاهد قال: قال ابن عباس: سمعت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ یقول: إنَّ لله تبارک وتعالی ملکا یقال له: دردائیل کان له ستَّة عشر ألف جناح ما بین الجناح إلى الجناح هواء والهواء كما بین السَّماء إلى الأرض، فجعل یوماً یقول فی نفسه: أفرق ربنا جلَّ جلاله شیء؟ فعلم اللہ تبارک وتعالی ما قال فزاده أجنحةً مثلها فصار له اثنان وثلاثون ألف جناح، ثمَّ أوحى اللہ عزَّ وجلَّ إليه أنَّ طر، فطار مقدار خمسين عاماً فلم یزل رأس قائمه من قوام العرش، فلما علم اللہ عزَّ وجلَّ إیتابه أوحى إليه أيها الملك عد إلى مکانک فأنا عظیم فوق کلَّ عظیم وليس فوقی شیء ولا أوصف بمکان فسلبه اللہ أجنحته ومقامه من صفوف الملائكة، فلما ولد الحسين بن علی علیهما السلام وكان مولده عشية الخميس ليلة الجمعة أوحى اللہ عزَّ وجلَّ إلى مالک خازن النار أنَّ أحمَد النيران على أهلها لكرامة مولود ولد لمحمد، وأوحى إلى رضوان خازن الجنان أنَّ زخرف الجنان وطیبها لكرامة مولود ولد لمحمد في دار الدنيا ، وأوحى اللہ تبارک وتعالی إلى حور العين تزین وتزاورن لكرامة مولود ولد لمحمد في دار الدنيا، وأوحى اللہ عزَّ وجلَّ إلى الملائكة أن قوموا صفوفاً بالتسبیح والتحمید والتمجید والتكبير لكرامة مولود ولد لمحمد في دار الدنيا، وأوحى اللہ تبارک وتعالی إلى جبرئیل علیه السلام أن اهبط إلى نبی محمد في ألف قبیل والقبیل ألف ألف من الملائكة على خيول بلق، مسرَّجه ملجَّمه، علیها قباب الدرِّ والياقوت، ومعهم ملائكة یقال لهم:

الرُّوحَانِيُونَ، بِأَيْدِيهِمْ أَطْبَاقٌ مِنْ نُورٍ أَنْ هَنُّوْا مُحَمَّدًا بِمَوْلُودٍ، وَأَخْبَرَهُ يَا جِبْرِيْلُ أَنْى قَدْ سَمِيْتَهُ الْحُسَيْنِ، وَهَنَّهُ وَعَزَّهُ وَقَلَّ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ يَقْتُلُهُ شِرَارُ أُمَّتِكَ عَلَى شِرَارِ الدَّوَابِّ، فَوَيْلٌ لِلْقَاتِلِ، وَوَيْلٌ لِلسَّائِقِ، وَوَيْلٌ لِلْقَائِدِ. قَاتَلَ الْحُسَيْنُ أَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ وَهُوَ مِنِّي بَرِيءٌ لِأَنَّهُ لَا يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحَدٌ إِلَّا وَقَاتَلَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْظَمَ جُرْمًا مِنْهُ، قَاتَلَ الْحُسَيْنُ يَدْخُلُ النَّارَ، يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ، وَالنَّارُ أَشْوَقٌ إِلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ مِمَّنْ أَطَاعَ اللَّهَ إِلَى الْجَنَّةِ.

قال: فبينما جبرئيل عليه السلام يهبط من السماء إلى الأرض إذ مرَّ بدردائيل فقال له دردائيل: يا جبرئيل ما هذه الليلة في السماء هل قامت القيامة على أهل الدنيا؟ قال: لا ولكن ولد لمحمد مولود في دار الدنيا وقد بعثني الله عزَّ وجلَّ إليه لاهنَّه بمولوده فقال الملك: يا جبرئيل بالذي خلقتك وخلقني إذا هبطت إلى محمد فأقرئه مني السلام وقل له: بحق هذا المولود عليك إلا ما سألت ربك أن يرضى عني فيرد عليَّ أجنحتي ومقامي من صفوف الملائكة فهبط جبرئيل عليه السلام على النبي صلى الله عليه وآله فهنأه كما أمره الله عزَّ وجلَّ وعزَّاه فقال له النبي صلى الله عليه وآله: تقتله أمتي؟ فقال له: نعم يا محمد، فقال النبي صلى الله عليه وآله: ما هؤلاء بأمتي أنا برىء منهم، والله عزَّ وجلَّ برىء منهم، قال جبرئيل: وأنا برىء منهم يا محمد، فدخل

النبي صلى الله عليه وآله على فاطمة عليها السلام فهنأها وعزَّاه فبكت فاطمة عليها السلام، وقالت: يا ليتني لم ألدّه، قاتل الحسين في النار، فقال النبي صلى الله عليه وآله: وأنا أشهد بذلك يا فاطمة ولكنّه لا يقتل حتّى يكون منه إمام يكون منه الأئمة الهاديّة بعده، ثمّ قال عليه السلام: والأئمة بعدى الهادى علىّ، والمهتدى الحسن، والناصر الحسين، والمنصور علىّ بن الحسين، والشافع محمد بن علىّ، والنفاع جعفر بن محمد، والامين موسى ابن جعفر،

والرُّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، وَالْفَعَالُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَالْمُؤْتَمَنُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَالْعَلَامُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَمَنْ يَصَلِي خَلْفَهُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فسكتت فاطمة عليها السلام من البكاء ثمَّ أخبر جبرئيل عليه السلام النبيَّ صلى الله عليه وآله بقصَّة الملك وما أصيب به، قال ابن عباس: فأخذ النبيُّ صلى الله عليه وآله الحسين عليه السلام وهو ملفوف في خرق من صوف فأشار به إلى السَّمَاءِ، ثمَّ قال: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْمَوْلُودِ عَلَيْكَ لَا بِلِ بَحَقِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أَنْ كَانَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ فَاطِمَةَ عِنْدَكَ قَدْرٌ فَارْضُ عَنْ دَرْدَائِيلَ وَرَدِّ عَلَيْهِ أَحْنَجْتَهُ وَمَقَامَهُ مِنْ صُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ فَاسْتَجَابَ اللَّهُ دَعَاءَهُ وَغَفَرَ لِلْمَلِكِ وَرَدَّ عَلَيْهِ أَحْنَجْتَهُ وَرَدَّهُ إِلَى صُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ [فَالْمَلِكِ لَا يَعْرِفُ فِي الْجَنَّةِ إِلَّا بِأَنْ يُقَالَ: هَذَا مَوْلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَابْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

الشيخ الصدوق، الوفاة ٣٨١، كمال الدين وتمام النعمة، ج: ١ ص: ٢٨٢، تحقيق: علي أكبر الغفاري، الناشر: مؤسسه

النشر الإسلامي

ابن عباس گوید از رسول خدا شنیدم میفرمود برای خدای تبارک و تعالی فرشته ایست که دروئیل نام دارد شانزده هزار پر دارد که میان هر پری تا پر دیگری هوی است و هوی باندازه از آسمانست تا زمین یک روز پیش خود گفت آیا برتر از پروردگار ما جل جلاله چیزی هست؟ خدا گفته او را دانست و باندازه‌ای که پر داشت باو پر و بال افزود و دارای سی و دو هزار بال گردید سپس خدای عز و جل باو وحی کرد که بپر مقدار پنجاه سال پرید و بسر یکی از ستونهای عرش نرسید، چون خدا دانست که خسته شده باو وحی کرد ای ملک بجای خود برگرد من بزرگم بالاتر هر بزرگم و برتر از من چیزی نیست و مکانی ندارم، خدا پره‌های او را گرفت مقام او را از صفوف ملائکه گرفت، چون حسین علیه السلام پسین پنجشنبه و شب جمعه بدنیا آمد خدای عز و جل بمالک خازن دوزخ وحی کرد دوزخ را خاموش کند بر اهل آن ببرکت مولودی که برای محمد(ص) متولد شده و برضوان خازن

جنان وحی کرد بهشت را نگار ببندد و زینت کند و معطر سازد ببرکت مولودی که بمحمد در دار دنیا عطا کرده و خدای تبارک و تعالی بحوریان دستور داد زینت کنند و بدیدن یک دیگر روند ببرکت مولودی که در دار دنیا بمحمد(ص) عطا شده و خدای عز و جل بملائکه وحی کرد با ذکر تسبیح و تحمید و تمجید و تکبیر صف بندند ببرکت مولوی که در دنیا بمحمد عطا شده و خدای تبارک و تعالی بجبرئیل وحی کرد که با هزار فوج فرشته که هر فوجی هزار هزار باشند سوار بر اسبهای ابلق بازین و لجام که بر آنها قباب در و یاقوت باشد بهمراه ملائکه روحانیون که طبقهای نور در دست دارند بزمین فرود شوند بمحمد مبارک گویند بدین مولود و باو فرمود ای جبرئیل من نامش را حسین گذاشتم به او هم تهنیت بگو و هم تعزیت بگو به او بگو ای محمد بدترین امت تو سوار بر بدترین مرکوبها او را بکشند وای بر کشنده، وای بر جلودار، وای بر راننده کشند حسین من از او بیزارم و او از من بیزار است، زیرا روز قیامت هیچ کس در عرصه محشر نیامد مگر آنکه گناه کشنده حسین از او بیشتر باشد کشنده حسین در گروه مشرکین بدوزخ رود و جهنم بکشنده حسین مشتاق تر است از اشتیاق بندگان مطیع خدا ببهشت فرمود در این میان که جبرئیل باسماں دنیا فرود می آید بدرائیل گذر کرد. دردائیل باو گفت ای جبرئیل این چه شبی است در آسماں آیا قیامت بر اهل دنیا بر پا شده فرمود نه ولی مولودی در دنیا بمحمد عطا شده و خدا مرا فرستاده که باو مبارکباد گویم آن فرشته بجبرئیل گفت بحق خدائی که مرا و تو را آفریده چون بزمین رفتی سلام مرا بمحمد برسان و بگو تو را بحق این مولود قسم میدهم که از پروردگارت عز و جل بخواهی از من راضی شود و پرها و مقام مرا در میان صفوف ملائکه بمن باز دهد، جبرئیل پیغمبر(ص) نازل شد چنانچه خدا دستور داده بود باو تهنیت گفت و تعزیت، پیغمبر(ص) فرمود، امتم او را میکشند عرضکرد آری ای محمد، پیغمبر فرمود آنها امت من نیستند، من از آنها بیزارم و خدای عز و جل از آنها بیزار است جبرئیل گفت منمهم از آنها بیزارم ای محمد، پیغمبر نزد فاطمه(ع) آمد و او را تسلیت داد و تعزیت گفت فاطمه گریست و گفت کاش او را نزائیده بودم کشنده حسین در دوزخ است پیغمبر فرمود ای فاطمه من بدان گواهم ولی ای فاطمه کشته نشود تا امامی از او بجا ماند که امامان هدایت کننده بعد از او باشند و سپس فرمود امامان بعد از من: الهادی علی، و المهتدی الحسن، و الناصر الحسین، و المقیور علی بن الحسین، و الشفیع محمد بن علی، و النفع

جعفر بن محمد، و الامین موسی بن جعفر و المؤمن علی بن موسی، و الامام محمد بن علی، و الفعال علی بن محمد، و العلام الحسن بن علی، و کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز بخواند قائم علیه السلام، فاطمه از گریه خاموش شد، سپس جبرئیل داستان آن فرشته و گرفتاری او را به پیغمبر گزارش داد، ابن عباس گوید پیغمبر(ص) حسین را در میان پارچه پشمی بدست گرفت و بطرف آسمان اشاره کرد و عرض کرد بار خدایا بحق این مولود بر تو نه بلکه بحق تو بر او و بر جدش محمد و ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب اگر برای حسین بن علی(ع) زاده فاطمه پیش تو مقامی است از درذائل راضی شو و پرها و مقام او را در صفوف ملائکه باو برگردان دعایش مستجاب شد و او را آمرزید و پرهایش را داد او را بصفوف ملائکه برگردانید آن فرشته در بهشت بازاد کرده حسین بن علی و زاده فاطمه دختر رسول خدا معروف است

عزای امام حسن علیه السلام برای امام حسین علیه السلام

در روایتی به نقل از شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه، حضرت امام حسن علیه السلام در لحظات پایانی عمر خویش، مصیبت وارده بر خویش را در مقابل مصیبت های وارده بر حضرت اباعبدالله ناچیز شمرده و با حالتی حزین و اندوهناک آنچه بر حضرت اباعبدالله علیه السلام واقع می شود را به آن حضرت بیان می فرمایند:

حدثنا أحمد بن هارون الفامی(رضی الله عنه)، قال: حدثنا محمد بن عبد الله بن جعفر بن جامع الحمیری، قال: حدثنا أبي، عن أحمد بن محمد بن يحيى ، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده(عليهم السلام): أن الحسين بن علي بن أبي طالب(عليه السلام) دخل يوماً إلى الحسن(عليه السلام)، فلما نظر إليه بكى، فقال له: ما يبكيك يا أبا عبد الله؟ قال: أبكي لما يصنع بك. فقال له الحسن(عليه السلام): إن الذي يؤتى إلى سم يدس إلى فاقتل به، ولكن لا يوم كيومك يا أبا عبد الله، يزدلف إليك ثلاثون ألف رجل، يدعون أنهم من يدعون إنهم من أمه جدنا محمد صلى الله عليه واله وسلم

وينتحلون الاسلام فيجتمعون على قتلک وسفک دمک وإنتهاک حرمتک وسبى ذراريک
ونسائک وإنتهاب ثقلک فعندها يحل الله بنى امية اللعنة وتمطر السماء دما ورمادا ويبكى
عليک کل شیء حتى الوحوش والحيتان فى البحار

الشيخ الصدوق، الوفاة: ٣٨١، الامالى، ج: ١ ص: ١٧٧، چاپ اول، الناشر: تحقيق قسم الدراسات الاسلاميه -
مؤسسة البعثة قم، ١٤١٧ هـ. ق

امام صادق(ع) از پدران بزرگوار خویش روایت کرده است که: روزی حسین بن علی(ع) به منزل برادرش
حسن(علیه السلام) وارد شد و چون نگاهش به برادر افتاد اشک از دیدگانش سرازیر گردید. حسن(ع) پرسید: "
چرا گریه میکند؟ امام حسین ع فرمودند: " گریه ام از ظلم و ستم هایی است که بر شما وارد میشود. "
حسن(علیه السلام)فرمود: " ظلمی که بر من وارد خواهد شد، زهری است که در خفا و پنهانی به من مینوشانند و
بدان وسیله مرا مسموم میگردانند و به قتل میرسانند، ولی " لا یوم کیومک یا ابا عبد الله " هیچ روزی را در
عالم مانند روز شهادت تو نمیتوان یافت. زیرا سی هزار نفر که همه آنان ادعای اسلام و پیروی از امت جد ما
محمد(ص) را مینمایند، دورت را میگیرند و برای کشتن و ریختن خون تو وهتک حرمت و اسیر کردن زن و
فرزندان و غارت کردن متاع تو آماده میشوند. در این موقع است که خداوند لعنت و نفرین خود را به بنی امیه
متوجه میگرداند و آسمان خون میبارد و خاکستر می پاشد و همه چیز حتی حیوانات وحشی در صحراها و ماهیان
در دریاها، در مصیبت تو خواهند گریست.

سفارش امام حسین علیه السلام به گریه برای خودشان

حدثنی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن
محمد بن خالد البرقی، عن أبان الأحمر، عن محمد بن الحسین الخزّاز، عن هارون بن خارجة،

عن أبي عبدالله عليه السلام... فقال: قال الحسين عليه السلام: أنا قتيل العبرة، لا يذكرني مؤمن إلا بكى».

جعفر بن محمد بن قولويه، الوفاة: ٣٦٧ كامل الزيارات، ج: ١ ص ١١٧، تحقيق: بهراد الجعفرى، الناشر: مكتبة

الصدوق

هارون بن خارجه، از امام صادق عليه السلام نقل می کند که ایشان فرمودند:... حضرت امام حسین عليه السلام فرمودند: من کشته اشک هستم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آنکه می گرید...

گریه امام سجاد علیه السلام بر حضرت اباعبدالله علیه السلام

از روایاتی که گریه و عزاداری امام سجاد علیه السلام را نقل کرده، به وضوح روشن می شود که نه تنها گریه و عزاداری، فرهنگی رایج نزد اهل بیت علیهم السلام بوده، بلکه اموری مانند استمرار گریه زیاد برای امام حسین علیه السلام، برگزاری مراسم عزا و اطعام و پوشیدن لباس مشکی در ایام عزای آن حضرت نیز امری مستحب بوده؛ تمامی این موارد از امام سجاد علیه السلام نقل شده است حتی ایشان به قدری برای پدر بزرگوارشان گریه کردند که یکی از پنج نفری شمرده شده اند که در عالم زیاد گریه کرده اند.

پختن غذا برای مراسم عزاداری امام حسین توسط امام سجاد علیهما السلام:

وعن الحسن بن ظریف بن ناصح، عن أبيه، عن الحسين بن زيد، عن عمرو بن علي بن الحسين قال: لما قتل الحسين بن علي (عليه السلام) لبس نساء بني هاشم السواد والمسوح

وكن لا يشتكين من حرّ ولا برد، وكان على بن الحسين (عليه السلام) يعمل لهنّ الطعام للمآتم

الشيخ الحر العاملي، الوفاة: ١١٠٤، وسائل الشيعة، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم

وقتي حسين بن علي كشته شد زنان بنی هاشم لباس مشکی پوشیدند. از گرما و سرما شکایتی نداشتند. حضرت علی بن الحسین علیه السلام بعلت اینکه آنان ماتم زده بودند برای ایشان غذا درست میکرد.

امام سجاد علیه السلام از بکاؤون خمسه:

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضى الله عنه قال: حدثنا محمد ابن الحسن الصفار قال: حدثني العباس بن معروف، عن محمد بن سهل البحراني يرفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام قال: البكاؤون خمسة: آدم، ويعقوب، ويوسف، وفاطمة بنت محمد، وعلي بن الحسين عليهم السلام. فأما آدم فبكى على الجنة حتى صار في خديه أمثال الأودية، وأما يعقوب فبكى على يوسف حتى ذهب بصره، وحتى قيل له: " تالله تفتؤ تذكّر يوسف حتى تكون حرضا أو تكون من الهالكين " وأما يوسف فبكى على يعقوب حتى تأذى به أهل السجن فقالوا له: إما أن تبكى الليل وتسكت بالنهار، وإما أن تبكى النهار وتسكت بالليل، فصالحهم على واحد منهما، أما فاطمة فبكت على رسول الله صلى الله عليه وآله حتى تأذى بها أهل المدينة فقالوا لها: قد أذيتنا بكثرة بكائك، فكانت تخرج إلى المقابر - مقابر الشهداء - فتبكي حتى تقضى حاجتها ثم تنصرف، وأما علي ابن الحسين فبكى على الحسين عليه السلام عشرين

سنه أو أربعين سنه ما وضع بين يديه طعام إلا بكى حتى قال له مولى له: جعلت فداك يا ابن

رسول الله إني أخاف عليك أن تكون من الهالكين، قال: " إنما أشكو بثي وحزني إلى الله

وأعلم من الله ما لا تعلمون " إني ما أذكر مصرع بني فاطمة إلا خنقتني لذلك عبرة.

الشيخ الصدوق، الوفاة: ٣٨١، الخصال: ج: ١ ص: ٢٧٢، تحقيق: علي أكبر الغفاري، الناشر: جماعة المدرسين في

الحوزة العلمية ١٤٠٣

امام صادق عليه السلام فرمودند:

پنج کس بسیار گریه کننده بودند حضرت آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه زهرا دختر محمد و علی بن الحسین (ع) آدم برای بهشت باندازه‌ای گریست که رد اشک چون رودخانه بر گونه‌اش در افتاد، یعقوب باندازه‌ای بر یوسف خود گریست که دیده‌اش رفت تا آنکه باو گفتند بخدا همیشه در یاد یوسف خود هستی تا آب شوی یا هلاک شوی یوسف از دوری یعقوب گریست تا زندانیان در آزار افتادند و باو گفتند یا شب گریه کن روز آرام باش یا روز گریه کن و شب آرام باش با آنها ساخت که در یکی از آنها بگریید، فاطمه زهراء برای رسول خدا گریست تا اهل مدینه در آزار افتادند و عرض کردند ما را از گریه خود آزار دادی، آن حضرت روزها از شهر بیرون میرفت بگورستان شهیدان و تا میخواست میگریست و سپس بر می‌گشت.

علی بن الحسین بیست تا چهل سال بر پدرش حسین گریست، هیچ خوراکی جلوش نمیگذاشتند جز آنکه می‌گریست تا آزاد کرده‌اش عرض کرد آقا من می‌ترسم شما در شمار هالکان شمرده شوی، فرمود من از غم و اندوه خود بخدا شکوه میکنم، من چیزی میدانم که شما نمی‌دانید من هیچ گاه قتلگاه فرزندان فاطمه را بیاد نمی‌آورم جز آنکه گریه گلویم را میگیرد.

امام سجاد علیه السلام بیست سال بر امام حسین علیه السلام گریه کردند:

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ جَمَاعَةٍ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «

قَالَ: بَكَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَى أَبِيهِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا عَشْرِينَ سَنَةً - أَوْ

أَرْبَعِينَ سَنَةً - وَ مَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامًا إِلَّا بَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ: جُعِلْتُ

فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ، قَالَ: « إِنَّمَا أَشْكُو بَنِيَّ وَحَزْنِي

إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَعْلَمُونَ »، إِنِّي لَمْ أَذْكَرْ مِصْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي الْعَبْرَةَ

لِذَلِكَ

جعفر بن محمد بن قولویه، الوفاة: ۳۶۸، کامل الزیارات: ج: ۱ ص: ۱۱۴، تحقیق: بهراد الجعفری، الناشر: مکتبه

الصدوق

حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما مدت بیست یا چهل سال بر پدرشان گریستند و طعام و غذائی نبود که در مقابل حضرت بگذارند مگر آنکه حضرتش بیاد امام حسین علیه السلام گریه می کردند تا جایی که غلام حضرت محضر مبارکش عرض نمود: فدایت شوم ای پسر رسول خدا می ترسم که شما هلاک شوید حضرت فرمودند: قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَنِيَّ وَ حَزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. تنها درد دل و غم خود را با خدا گویم و از لطف و کرم بی اندازه او چیزی دانم که شما نمی دانید. سپس فرمودند: هیچ گاه محل کشته شدن فرزندان فاطمه علیها السلام را بیاد نمی آورم مگر آنکه حزن و غصه حلقوم من را می فشارد

اندوه پایان ناپذیر امام سجاده علیه السلام بر پدر بزرگوارشان:

حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز، عن خاله محمد بن الحسين بن أبي الخطاب الزِّيَّات، عن عليِّ بن أسباط، عن إسماعيلَ بن منصور - عن بعض أصحابنا - « قال: أشرف مولى لعليِّ بن الحسين عليهما السلام وهو في سقيفه له ساجدٌ يبكي، فقال له: يا مولاي يا عليَّ بن الحسين أما أن ليحزنك أن ينقضى؟ فرفع رأسه إليه وقال: ويلك - أو ثكَلتكَ أمك - [والله] لقد شكى يعقوبُ إلى ربِّه في أقلِّ ممَّا رأيت حتَّى قال: « يا أسفى على يوسف [٤]»، إنه فقدَ ابناً واحداً، وأنا رأيتُ أبي وجماعه أهل بيتي يُذَبِّحون حولى، قال: وكان عليُّ بن الحسين عليهما السلام يميل إلى ولد عقيل، فقيل له: ما بالك تميل إلى بني عمِّك هؤلاء دون آل جعفر؟ فقال: إنى أذكر يومهم مع أبي عبدالله الحسين بن عليٍّ عليهما السلام فأرق لهم »

جعفر بن محمد بن قولويه، الوفاء: ٣٦٨، كامل الزيارات: ج: ١ ص: ١١٥، تحقيق: بهراد الجعفرى، الناشر: مكتبة

الصدوق

غلام علی بن الحسین علیهما السلام به صفه سر پوشیده‌ای که تعلق به امام سجاده علیه السلام داشت و آن جناب در آنجا پیوسته در حال سجود و گریه بودند نزدیک شد و به حضرت عرض نمود: ای آقای من، ای علی بن الحسین آیا وقت تمام شدن حزن و غصه شما هنوز نرسیده؟ حضرت سر مبارک از زمین برداشته و متوجه او شده و فرمودند:

وای بر تو یا فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند به خدا قسم حضرت یعقوب در حادثه‌ای بس کمتر و واقعه‌ای ناچیزتر از آنچه من دیدم شکایت به پروردگار نمود و اظهار کرد: یا أسفى على يوسف (وا اسفا بر فراق یوسفم). با اینکه ایشان تنها یک فرزندش را از دست داده بود ولی من دیدم که پدرم و جماعتی از اهل بیت من را در دور من سر بریدند راوی گفت: حضرت علی بن الحسین علیهما السلام به فرزندان عقیل میل و توجه خاصی داشتند.

به حضرت عرض شد: چه طور به این بنی اعمامتان (اولاد عقیل) توجّه و تمایل دارید نه به آل و فرزندان جعفر؟
حضرت فرمودند:

یادم می آید از روزی که ایشان همراه ابی عبد الله الحسین علیه السلام به چه مصیبت‌هائی گرفتار شدند پس به حالشان رقت می‌کنم.

گریه امام سجاد بر امام حسین علیهما السلام هنگام خوردن طعام:

روی عن الصادق عليه السلام أنه قال: ان زين العابدين عليه السلام بكى على أبيه أربعين

سنه صائما نهاره وقائما ليله فإذا حضر الافطار وجاء غلامه بطعامه وشرابه قيضه بين يديه

فيقول كل يا مولاي فيقول قتل ابن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم جائعا، قتل ابن رسول

الله صلى الله عليه وآله وسلم عطشانا، فلا يزال يكرر ذلك ويبكى حتى يبطل طعامه من دموعه

ثم يمزج شرابه بدموعه فلم يزل كذلك حتى لحق بالله عز وجل

السيد ابن طاووس الوفاء: ٦٦٤، اللهموف في قتلى الطفوف ج: ١ ص: ١٢١، الناشر: أنوار الهدى، قم، ایران [بی تا].

از امام صادق(ع) روایت شده است که: زین العابدین(ع) چهل سال در مصیبت پدرش گریه کرد، در حالی که روزها روزه دار و شبها به عبادت بیدار بود و چون وقت افطار میرسید، خدمتگزارش آب و غذا در برابر او مینهاد و میگفت: " آقا جان! میل فرمایید. " آن حضرت می فرمود: " چگونه غذا بخورم، در صورتی که فرزند رسول خدا(ص) گرسنه کشته شد؟ و چگونه آب بنوشم، در صورتی که فرزند رسول خدا(ص) لب تشنه کشته شد؟ " و پیوسته این سخن را میگفت و میگریست، تا آب و غذا با اشک چشمش مخلوط میشد. همواره با این حال بود، تا از دنیا رفت.

گریه حضرت امام سجاد علیه السلام هنگام دیدن سر عمر بن سعد ملعون:

ولما بعث المختار برأس عمر بن سعد(عليه اللعنة) إليه وقال(لا تعلم أحدا ما معك حتى يضع

الغداء) فدخل وقد وضعت المائدة، فخر زين العابدين عليه السلام ساجدا وبكى وأطال البكاء

ثم جلس، فقال: الحمد لله الذي أدرك لي بثأري قيل وفاتي

قطب الدين الراوندي، الوفاة: ٥٧٣، الدعوات ج: ١ ص: ١٦٢، تحقيق: مدرسة الامام المهدي، الناشر: مدرسة الإمام

المهدي(ع) - قم

زمانی که مختار سر عمر بن سعد ملعون رو خدمت امام سجاد علیه السلام فرستاد؛ به شخصی که حامل سر بود گفت: کسی را با خبر نکن تا اینکه سفره ی ناهار را پهن کنند، پس آن شخص حامل سر وارد شد و سفره ناهار گذاشته شد، پس حضرت زین العابدین علیه السلام به سحده افتاده ند و گریه طولانی کردند و سپس نشسته ند و فرمودند: ستایش خداوندی که انتقام مرا قبل از وفات من گرفت

گریه امام باقر علیه السلام بر امام حسین سلام الله علیه

روایات نقل شده از امام باقر علیه السلام، بیان های مختلفی دارد، بعضی از این روایات؛ حکایت از اهتمام آن حضرت در برپایی مجلس عزاداری در منزل مبارکشان و نیز توصیه به گریه و برپایی مجلس عزاداری بر اباعبدالله علیه السلام در منازل دارد، و بعضی از روایات حکایت از بیان ثواب گریه بر اباعبدالله علیه السلام توسط حضرت امام باقر علیه السلام دارد، که به روشنی می توان مشروع و مستحب بودن این امور را از این روایات

فهمید

اقامه ي مجلس عزا در منزل حضرت امام باقر عليه السلام:

حدثنا أبو المفضل، قال حدثنا جعفر بن محمد بن القاسم العلوي، قال حدثنا عبد الله بن أحمد بن نهيل، قال حدثني محمد بن أبي عمير، عن الحسين بن عطية، عن عمر بن يزيد، عن الورد بن الكميت، عن أبيه الكميت بن أبي المستهل قال: دخلت على سیدی ابي جعفر محمد بن علي الباقر عليهما السلام فقلت: يا ابن رسول الله انى قد قلت فيكم أبياتا افتأذن لى فى انشادها. فقال: انها أيام البيض. قلت: فهو فيكم خاصة. قال: هات، فأنشأت أقول:

أضحكنى الدهر وأبكاني * والدهر ذو صرف

وألوان لتسعةً بالطف قد غودروا * صاروا جميعا رهن اكفان

فبكى عليه السلام وبكى أبو عبد الله وسمعت جاريةً تبكى من وراء الخباء، فلما بلغت الى

قولى:

وستة لا؟؟ حارى بهم * بنو عقيل خير فتیان ثم على الخير مولاكم * ذكرهم هيح أحزاني

فبكى ثم قال عليه السلام: ما من رجل ذكرنا أو ذكرنا عنده فخرج من عينيه ماء ولو قدر مثل

جناح البعوضة الا بنى الله له بيتا فى الجنة وجعل ذلك حجابا بينه وبين النار، فلما بلغت الى

قولى:

من كان مسرورا بما مسكم * أو شامتا يوما من الان فقد ذللتم بعد عز فما * أدفع ضيما حين

يغشاني

أخذ بيدي وقال: اللهم اغفر للكميت ما تقدم من ذنبه وما تأخر، فلما بلغت الى قولى: متى

يقوم الحق فيكم متى * يقوم مهديكم الثانى قال سريعا ان شاء الله سريعا،

علی بن محمد بن علی الخزاز القمی الرازی، الوفاة: ۴۰۰، کفایة الأثر ج: ۱ ص: ۲۴۹، تحقیق: العلم الحجة

السید عبد اللطیف الحسینی الکوه کمری، الناشر: انتشارات بیدار مطبعة الخيام - قم (۱۴۰۱ هـ)

کمیت شاعر گفت: وارد شدم بر آقایم حضرت محمد بن علی باقر و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا من در باره شما اشعاری گفته‌ام آیا اجازه می‌فرمایی آنها را انشاد کنم (و در محضر شما بخوانم؟) فرمود: اکنون ایام البیض است (و خواندن شعر مناسب نیست) عرض کردم: این اشعار در باره شما بالخصوص است؟ فرمود: بخوان پس شروع کردم و گفتم:

روزگار مرا خندان کرد و گریاند. و روزگار زیروروها و رنگهایی دارد، برای نه تن که در کربلا غافلگیر شدند. و همگی در کفنهای خود آرمیدند پس حضرت باقر گریان شد و حضرت صادق نیز گریست، و شنیدم که زنی نیز پشت پرده گریه می‌کند، همین که به این شعر رسیدم: و شش تن که کسی با آنها (در فضیلت) مقایسه نشود فرزندان عقیل بهترین سواران، سپس علی آقای ایشان که نامبرد نشان غصه‌های مرا زنده کرده حضرت فرمود: نیست کسی که یاد ما کند یا نزدش ما را یاد کنند و از چشمانش مانند بال مگسی اشک بیرون آید مگر این که خداوند برای او خانه در بهشت بنا کند، و این اشک را پرده میان او و آتش قرار دهد، همین که به این شعر رسیدم: کیست که خرسند باشد به آنچه به شما رسیده یا شاد باشد از اکنون روزی، زیرا شما بعد از عزت خوار شدید و من اگر ظلمی به جانبم رو آورد جلوگیری نمی‌کنم حضرت دستم را گرفت و فرمود: پروردگارا گناهان گذشته و آینده کمیت را بیامرز، و همین که به این شعر رسیدم: چه زمان حق در میان شما قیام کند؟ چه زمان مهدی دوم شما بیا خیزد؟ فرمود: بزودی ان شاء الله، بزودی ان شاء الله؛ بزودی

توصيه امام باقر عليه السلام به اقامه ي مجلس عزا وگريه براي امام حسين عليه السلام در

منازل

حدَّثني حَكِيم بن داود بن حَكِيم؛ وغيره، عن مُحَمَّد بن موسى الهمداني، عن مُحَمَّد بن خالد الطيالسي، عن سيف بن عميرة؛ وصالح بن عتبة جميعاً، عن علقمة بن محمد الحضرمي؛ و(كذا) مُحَمَّد بن إسماعيل، عن صالح بن عتبة، عن مالك الجهنّي، عن أبي جعفر الباقر عليه السلام « قال: مَنْ زار الحسين عليه السلام يوم عاشوراء من المحرّم حتّى يظلّ عنده باكياً لقي الله تعالى يوم القيامة بثواب ألف [فـ] [ي] ألف حجّة وألف [ي] ألف عمرة، وألف ألف غزوة، وثواب كلّ حجّة وعمرة وغزوة كثواب مَنْ حجّ واعتمر وغزا مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ومع الأئمّة الرّاشدين صلوات الله عليهم أجمعين. قال: قلت: جُعِلتُ

فِداك لِمَنْ كان في بُعدِ البلاد واقاصيها ولم يمكنه المسير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان

ذلك اليوم برزَ إلى الصّحراء أو صعد سَطْحاً مُرتفعاً في داره، وأوماً إليه بالسّلام، واجتهد على

قاتله بالدُّعاء، وصلى بعد ركعتين يفعل ذلك في صدرِ النّهار قبل الزّوال، ثمّ ليندب الحسين

عليه السلام ويبكيه ويأمر مَنْ في داره بالبكاء عليه، ويقيم في داره مصيبته بإظهار الجزع عليه،

ويتلاقون بالبكاء بعضهم بعضاً في البيوت، وليعزّ بعضهم بعضاً بمصاب الحسين عليه السلام،

فأنا ضامنٌ لهم إذا فعلوا ذلك على الله عزّوجلّ جميع هذا الثّواب، فقلت: جُعِلتُ فِداك وأنت

الضّامن لهم إذا فعلوا ذلك والزّعيم به؟ قال: أنا الضّامن لهم ذلك والزّعيم لمن فعل ذلك. قال:

قلت: فكيف يعزّي بعضهم بعضاً؟ قال: يقولون: عَظّم الله أجورنا بمُصابنا بالحسين عليه السلام،

وجعَلنا وإياكم من الطّالِبين بِثاره مع وليّه الإمام المهديّ من آل محمّد؛ فإن استطعت أن لا

تنتشر يومك في حاجة فافعل، فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة، وإن قضيت لم يبارك له فيها ولم ير رشدًا، ولا تدخرن لمنزلك شيئًا، فإنه من ادخر لمنزله شيئًا في ذلك اليوم لم يبارك له فيما يدخره ولا يبارك له في أهله، فمن فعل ذلك كتبت له ثواب ألف حجة و ألف ألف عمرة، وألف ألف غزوة كلها مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وكان له ثواب مصيبه كل نبي ورسول وصدیق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة

ابو القاسم جعفر بن محمد بن بن جعفر بن موسى بن قولويه القمي، الوفاة: ۳۶۷، كامل الزيارات ج: ۱ ص ۱۹۳:

تحقیق: بهراد الجعفری - الناشر: مكتبة الصدوق

حضرت ابی جعفر الباقر علیه السلام، حضرت فرمودند: کسی در روز عاشوراء یعنی روز دهم محرم الحرام حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خداوند متعال ثواب دو میلیون حج و دو میلیون عمره و دو میلیون مرتبه جهاد را به وی بدهد.

شایان توجه است که ثواب هر حج و عمره و جهادی همچون ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را در معیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه راشدین صلوات الله علیهم اجمعین بجا آورده باشد. علقمه می گوید: محضر مبارک امام پنجم علیه السلام عرضه داشتیم: فدایت شوم، اجر و ثواب کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعید بوده به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشوراء) به زیارت حضرت بشتابد؟ امام علیه السلام فرمودند:

وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند. البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در

خانه‌اش اقامه مصیبت نماید و مواظب باشند هر گاه اهل خانه یک دیگر را ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهائی که داده شد عمل کنند من ضامن می‌شوم که حقتعالی تمام ثوابهائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید. محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها می‌شوید؟ حضرت فرمودند: در صورتی که به دستورهائی داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می‌باشم.

علقمه می‌گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند: حضرت فرمودند: بگویند: عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام، و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الإمام المهدي من آل محمد صلوات الله عليهم (خداوند متعال اجرها و ثوابهای عزادار بودن ما را برای امام حسین علیه السلام زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب ظفر قرین ولی آن حضرت، حضرت امام مهدی قائم آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد). و اگر قدرت و توانائی این را داشتی که آن روز(روز عاشوراء) را بدنبال نیازمندی‌هایت نیروی البته مرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی‌گردد و اگر هم حاجت برآورده شود برای شخص حاجت‌مند مبارک نبوده و وی خیر نخواهد دید.

توجه داشته باشد در آن روز در منزلت آذوقه‌ای را ذخیره نکنی چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلس نیز برکت نخواهد داشت.

بنا بر این کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام داده باشد برایش نوشته می‌شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیاء و رسل و صدیقین و شهدائی که فوت کرده یا کشته شده‌اند رسیده است را از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطاء می‌فرماید

امام باقر علیه السلام و بیان ثواب گریه بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام:

حدَّثني الحسن بن عبدالله بن محمد بن عيسى، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء بن رزين، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام « قال: كان علي بن الحسين عليهما السلام يقول: أَيُّما مؤمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَيَّ خَدَّهُ بَوَّاهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا، وَأَيُّما مؤمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَيَّ خَدَّهُ فِينَا لِأَذَى مَسَّنَا مِنْ عَدَوِّنَا فِي الدُّنْيَا بَوَّاهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ مَبْوًى صَدِيقٍ، وَأَيُّما مؤمِنٍ أذَى فِينَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَيَّ خَدَّهُ مِنْ مَضَاضِهِ مَا أُوذِيَ فِينَا صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَذَى وَأَمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَالنَّارِ

ابو القاسم جعفر بن محمد بن بن جعفر بن موسى بن قولويه القمي، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات، ج: ١ ص: ١٠٧

تحقيق: بهراد الجعفري - الناشر: مكتبة الصدوق

حضرت علی بن ابی الحسن علیهما السلام می فرمودند:

هر مؤمنی که بخاطر شهادت حسن بن علی علیهما السلام گریه کند تا اشکش بر گونه‌هایش جاری گردد خداوند منان غرفه‌ای در بهشت به او دهد که مدت‌ها در آن ساکن گردد و هر مؤمنی بخاطر ایذاء و آزاری که از دشمنان ما در دنیا به ما رسیده گریه کند تا اشکش بر گونه‌هایش جاری شود خداوند متعال در بهشت به او جایگاه شایسته‌ای دهد و هر مؤمنی در راه ما اذیت و آزاری به او رسد پس بگرید تا اشکش بر گونه‌هایش جاری گردد خداوند متعال آزار و ناراحتی را از او بگرداند و در روز قیامت از غضب و آتش دوزخ در امانش قرار دهد.

بهشت، جزای یک قطره اشک بر امام حسین علیه السلام:

حدثني حكيم بن داود، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسن بن علي، عن العلاء بن رزين القلاء، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر(عليه السلام) قال: أيما مؤمن دمعت عيناه لقتل الحسين(عليه السلام) دمعة حتى تسيل على خده بوأه الله بها عرفا في الجنة يسكنها أحقبا

جعفر بن محمد بن قولويه، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات ج: ١ ص: ٢٠٧، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، لجنة

التحقيق - چاپ اول، الناشر: مؤسسة نشر الفقاهة عيد الغدير ١٤١٧

هر مؤمنی که بخاطر شهادت حضرت حسین علیه السلام چشمانش اشک ریخته بطوری که اشکها بر گونه‌هایش جاری گردد خداوند منان در بهشت غرفه‌هایی به او عنایت فرماید که وی برای روزگارش در آن سکنا گزیند.

گریه امام صادق علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

روایاتی که در باب عزاداری حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده، به مراتب بیشتر از روایات بقیه معصومین در این باب می باشد، و این چه بسا ناشی از شرایط خاصی که در زمان امام صادق علیه السلام پیش آمده بود، در این روایات امام صادق علیه السلام ضمن آنکه خود، به عزاداری و گریه می پردازد، به دیگران توصیه به عزاداری می کند و ثواب گریه بر ابا عبدالله علیه السلام را بیان کرده است، همچنین در بعضی از روایات نقل شده است که خود حضرت علیه السلام از شعرا درخواست می کرد که برای آن حضرت شعر در عزای حضرت ابا عبدالله بسرایند و امام نیز به شدت گریه می کردند.

روضه خوانی شعراء در محضر امام صادق عليه السلام واهل بيت مكرمشان:

حدَّثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن ابن أبي عمير، عن عبد الله بن حسان، عن ابن أبي شعبة عن عبد الله بن غالب « قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فأنشدته مَرثِيَةَ الحسين عليه السلام، فلما انتهيتُ إلى هذا الموضع:

لَبْلِيَّةٌ تَسْقُو حُسَيْنًا بِمَسْقَاهِ الثَّرَى غَيْرِ التُّرَابِ

فصاحت باكية من وراء الستر: وأبتاه!!!

جعفر بن محمد بن قولويه، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات ج: ١ ص: ١١٢، تحقيق: بهراد الجعفري، الناشر: مكتبة

الصدوق

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسين، از ابن ابی عمیر، از عبد الله بن حسان، از ابن أبي شعبة، از عبد الله بن غالب نقل کرده که وی گفت: بر حضرت ابی عبد الله عليه السلام داخل شده پس شعری در مرثیه حضرت امام حسین عليه السلام خواندم و وقتی به این بیت منتهی شدم:

لَبْلِيَّةٌ تَسْقُو حُسَيْنًا بِمَسْقَاهِ الثَّرَى غَيْرِ التُّرَابِ

به خدا قسم مصیبتی بود که آن مصیبت حسین عليه السلام را در آب خورگاه زمینی مرطوب نه خشک سیراب نمود پس مخدره‌ای که در پشت پرده می‌گریست با صدای بلند فریاد زد: وا أبتاه!!!

روضه خوانی جعفر بن عفان برای امام صادق عليه السلام:

حدَّثني نصر بن الصباح، قال حدثني أحمد بن محمد بن عيسى، عن يحيى بن عمران، قال حدثنا محمد بن سنان، عن زيد الشحام، قال كنا عند أبي عبد الله (ع) ونحن جماعة من

الكوفيين، فدخل جعفر بن عفان على أبي عبد الله (ع) فقربه وأدناه، ثم قال يا جعفر قال لبيك جعلني الله فداك، قال بلغني أنك تقول الشعر في الحسين (ع) وتجيد فقال له نعم جعلني الله فداك، فقال قل فأنشده (ع) و من حوله حتى صارت له الدموع على وجهه ولحيته، ثم قال يا جعفر و الله لقد شهدك ملائكة الله المقربون ها هنا يسمعون قولك في الحسين (ع) ولقد بكوا كما بكينا أو أكثر، ولقد أوجب الله تعالى لك يا جعفر في ساعته الجنة بأسرها وغفر الله لك، فقال يا جعفر أ لا يزيدك قال نعم ياسيدي، قال ما من أحد قال في الحسين (ع) شعرا فبكي وأبكي به إلا أوجب الله له الجنة وغفر له

الشيخ الطوسي، الوفاة: ٤٦، رجال الكشي، ج: ١، ص: ٢٨٩، المحقق: السيد مهدي الرجائي صححه و علق عليه و قدم له و وضع فهرسه حسن المصطفوي، الناشر: انتشارات مركز تحقیقات و مطالعات دانشكده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مشهد ١٣٤٨

زيد شحام نقل میکند که گفت: ما و گروهی از کوفی‌ها در حضور امام جعفر صادق علیه السلام نشستیم بودیم که جعفر بن عفان بحضور امام صادق مشرف شد. حضرت صادق وی را نزدیک خود جای داد و به او فرمود: ای جعفر! گفت: لبيك! خدا مرا فدای تو کند. فرمود: بمن این طور رسیده که تو خیلی خوب در باره امام حسین علیه السلام شعر میگوئی؟ گفت: آری فدای تو شوم. فرمود: پس شعر بگو! وقتی وی شعر گفت: امام صادق علیه السلام بقدری گریه کرد که اشک‌های آن حضرت به گونه‌های صورت و ریش مبارکش فرو ریخت و افرادی هم که حضور داشتند گریان شدند.

سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای جعفر! بخدا قسم ملائکه مقرب خدا شعر تو را که در اینجا برای امام حسین گفتی شنیدند و بیشتر از ما گریه کردند. ای جعفر! خدا الساعه بهشت را بر تو واجب نمود و تو را آمرزید.

آنگاه فرمود: ای جعفر! آیا زیادتز از این برای تو بگویم؟ گفت: آری ای مولای من. فرمود: احدی نیست که در باره مصیبت امام حسین شعر بگوید و گریه کند و دیگران را گریان نماید مگر اینکه خدا بهشت را بر او واجب میکند و او را می‌آمرزد.

روضه خوانی ابهارون برای امام صادق علیه السلام:

حدثنا أبو العباس القرشي، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبه، عن أبي هارون المكفوف، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): يا أبا هارون أنشدني في الحسين (عليه السلام)، قال: فأنشدته، فبكي، فقال: أنشدني كما تنشدون - يعني بالرقه- قال: فأنشدته:

امرر على جدث الحسين * فقل لأعظمه الزكيه

قال: فبكي، ثم قال: زدني، قال: فأنشدته القصيده الأخرى، قال: فبكي، وسمعت البكاء من خلف الستر، قال: فلما فرغت قال لي: يا أبا هارون من أنشد في الحسين (عليه السلام) شعرا فبكي وأبكي عشرا كتبت له الجنة، ومن أنشد في الحسين شعرا فبكي وأبكي خمسة كتبت له الجنة، ومن أنشد في الحسين شعرا فبكي وأبكي واحدا كتبت لهما الجنة، ومن ذكر الحسين (عليه السلام) عنده فخرج من عينه من الدموع مقدار جناح ذباب كان ثوابه على الله ولم يرض له بدون الجنة.

جعفر بن محمد بن قولويه، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات ج: ١ ص: ٢٠٨، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، لجنة

التحقيق - چاپ اول، الناشر: مؤسسة نشر الفقاهة عيد الغدير ١٤١٧

ابو العباس قرشی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی هارون مکفوف نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

ای ابا هارون آیا شعری در مصیبت امام حسین علیه السلام برایم می‌خوانی؟
ابا هارون می‌گوید: پس برای آن حضرت شعری خواندم و آن جناب گریست.

سپس فرمودند:

همان طوری که پیش خود شعر و مرثیه می‌خوانید برایم بخوان یعنی با رقت و لطافت، ابا هارون می‌گوید:
پس این بیت را برای آن جناب با رقت و لطافت خواندم:

امرر علی جدث الحسین فقل لاعظمه الزکیة

یعنی: گذر کن بر قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام، پس به استخوانهای پاک و مطهرش بگو.

ابا هارون می‌گوید: امام علیه السلام گریست، سپس فرمود: بیشتر برایم بخوان.

پس قصیده دیگر برای حضرتش خواندم. ابا هارون می‌گوید: امام علیه السلام گریستند و صدای گریه اهل منزل را از پشت پرده شنیدم.

سپس ابا هارون می‌گوید: وقتی از خواندن فارغ شدم حضرت به من فرمودند: ای ابا هارون کسی که در مرثیه حسین بن علی علیهما السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و ده نفر دیگر را بگریاند بهشت بر ایشان واجب می‌گردد. و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و یک نفر دیگر را بگریاند بهشت برای هر دو واجب می‌شود و کسی امام حسین را نزدش یاد کنند و از چشمش به مقدار بال مگس اشک بیاید ثواب و اجر او بر خداست و خداوند برای وی به کمتر از بهشت اجر و ثواب نمی‌دهد.

حال پریشان و گریه شدید امام صادق علیه السلام در روز عاشوراء:

روى عبد الله بن سنان قال: دخلت على سيدى أبى عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام فى يوم عاشوراء فألفيته كاسف اللون ظاهر الحزن ودموعه تنحدر من عينيه كاللؤلؤ المتساقط. فقلت: يا ابن رسول الله! مم بكاؤك؟ لا أبكى الله عينيك، فقال لى: أو فى غفلة أنت؟ أما علمت أن الحسين بن على أصيب فى مثل هذا اليوم؟ فقلت: يا سيدى! فما قولك فى صومه؟ فقال لى: صمه من غير تبيت، وأفطره من غير تشميت، ولا تجعله يوم صوم كملا وليكن إفطارك بعد صلاة العصر بساعة على شربة من ماء، فإنه فى مثل ذلك الوقت من ذلك اليوم تجلت الهيحاء عن آل رسول الله وانكشفت الملحمة عنهم، وفى الأرض منهم ثلاثون صريعا فى مواليتهم يعز على رسول الله صلى الله عليه وآله مصرعهم ولو كان فى الدنيا يومئذ حيا لكان صلوات الله عليه هو المعزى بهم، قال: وبكى أبو عبد الله عليه السلام حتى اخضلت لحيته بدموعه، ثم قال: إن الله جل ذكره لما خلق النور خلقه يوم الجمعة فى تقديره فى أول يوم من شهر رمضان، وخلق الظلمة فى يوم الاربعاء يوم عاشوراء فى مثل ذلك يعنى يوم العاشر من شهر المحرم فى تقديره، وجعل لكل منهما شرعة ومنهاجا

الشيخ الطوسى، الوفاة: ٤٦٠، مصباح المتبهد ج: ١ ص: ٧٨٢، چاپ اول، الناشر: مؤسسه فقه الشيعه بيروت - لبنان

١٤١١ - ١٩٩١ م [بى تا]

عبد الله بن سنان نقل ميكند كه گفت: من در روز عاشورا بحضور حضرت امام جعفر صادق عليه السلام مشرف شدم و آن بزرگوار را دیدم كه رنگش تغيير نموده و اشكهايش نظير لؤلؤ از چشمان مقدسش فرو ميريزد، من

گفتم: یا بن رسول الله برای چه گریانی؟ خدا چشمان تو را گریان نکند! در جوابم فرمود: مگر تو غافل، آیا نمیدانی که حسین بن علی علیه السلام در یک چنین روزی دچار مصیبت گردید. گفتم: ای آقای من، روزه گرفتن روز عاشورا چه صورت دارد؟ فرمود: روزه بگیر، ولی شب نیت آن را نکن. افطار کن ولی نه از روی شماتت. یک روز کامل را روزه بگیر: بلکه یک ساعت ابعداً از نماز ظهر یک شربت آب بیاشام، زیرا در یک چنین وقت بود که جنگ و جدال از آل رسول دست برداشت و ابتلاء آنان خاتمه یافت. در صورتی که تعداد سی جنازه از مردان ایشان روی زمین افتاده بود و این مصیبت برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خیلی ناگوار بود. اگر آن روز رسول خدا در دنیا زنده می بود شخصاً در عزای آنان می نشست.

راوی میگوید: امام جعفر صادق علیه السلام بقدری گریه کرد که محاسن شریفش بوسیله اشکهایش تر شد. سپس فرمود: خدای سبحان نور را در روز جمعه در اولین روز ماه رمضان آفرید و ظلمت را در روز چهارشنبه که روز عاشورا بود خلق کرد، یعنی روز دهم ماه محرم الحرام. و برای هر کدام طریقی قرار داد

گریه امام صادق علیه السلام هنگام ذکر نام اباعبدالله علیه السلام:

حدّثنی محمّد بن الحسن، عن محمّد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمّد بن عیسی، عن محمّد بن خالد البرقی، عن أبان الأحمر، عن محمّد بن الحسین الخزّاز، عن هارون بن خارجه، عن أبی عبد الله علیه السلام « قال: کنا عنده فذکرنا الحسین علیه السلام [وعلى قاتله لعنة الله] فبکی أبو عبد الله علیه السلام وبکینا، قال: ثمّ رفع رأسه فقال: قال الحسین علیه السلام: أنا قتیل العبرة، لا یذکرنی مؤمن إلاّ بکی - و ذکر الحدیث - ».

جعفر بن محمد بن قولویه، الوفاة: ۳۶۷ کامل الزیارات، ج: ۱ ص ۱۱۷، تحقیق: بهراد الجعفری، الناشر:مکتبه

الصدوق

هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودیم، پس نام امام حسین علیه السلام و علی قاتله لعنه الله را بردیم، حضرت گریستند و ما نیز گریستیم. راوی می گوید: امام علیه السلام سر مبارکش را بلند کرده و فرمودند: حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: من کشته اشک هستم، یاد نمی کند من را هیچ مؤمنی مگر آنکه می گرید...

گریه حضرت امام صادق علیه السلام بر ابا عبدالله سلام الله علیه هنگام نوشیدن آب:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنِ الْخَشَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَّانِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَسْقَى الْمَاءَ، فَلَمَّا شَرِبَهُ رَأَيْتُهُ قَدْ اسْتَعْبَرَ، وَأَعْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ بِدُمُوعِهِ، ثُمَّ قَالَ لِي: « يَا دَاوُدُ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَمَا مِنْ عَبْدِ شَرِبَ الْمَاءَ، فَذَكَرَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَلَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَحَطَّ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَكَأَنَّمَا أُعْتِقَ مِائَةَ أَلْفِ نَسَمَةٍ، وَحَشَرَهُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَلَجَ الْفُؤَادِ

الشيخ الكليني، الوفاة: ۳۲۹، الكافي ج: ۱۲ ص: ۶۵۸، تحقيق: قسم احياء التراث مركز بحوث دار الحديث، الناشر:

دارالحديث قم تاريخ انتشار: ۱۳۸۷ ش

داود رقی، وی می گوید: در محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند دیدم در حضرت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد سپس به من فرمودند: ای داود خدا قاتل حسین علیه السلام را لعنت کند، بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین علیه السلام را یاد نموده و

کشنده‌اش را لعنت کند مگر آنکه خداوند مَنان صد هزار حسنه برای او منظور می‌کند و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می‌کند.

توصیه امام صادق علیه السلام به گریه بر امام حسین علیه السلام:

حدَّثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن مسمع بن عبدالملك كُردين البصري « قال: قال لي أبو عبدالله عليه السلام: يا مسمع أنت من أهل العراق؛ أما تأتي قبر الحسين عليه السلام؟ قلت: لا؛ أنا رجلٌ مشهورٌ عند أهل البصرة، وعندنا من يتبع هوى هذا الخليفة، وعدونا كثير من أهل القبائل من النصاب وغيرهم، ولست آمنهم أن يرفعوا حالي عند ولد سليمان فيمثلون بي، قال لي: أفما تذكر ما صنع به؟ قلت: نعم، قال: فتجزع؟ قلت: إي والله وأستعبر لذلك حتى يرى أهلي أثر ذلك علي فأمتنع من الطعام حتى يستبين ذلك في وجهي، قال: رحم الله دمعك، أما إنك من الذين يُعدُّون من أهل الجزع لنا، والذين يفرحون لفرحنا ويحزنون لحزننا ويخافون لخوفنا ويأمنون إذا أمنا، أما إنك ستري عند موتك حضور آبائي لك ووصيتهم ملك الموت بك، وما يلقونك به من البشارة أفضل، وملك الموت أرق عليك وأشدُّ رحمةً لك من الأم الشفيقة علي ولدها، قال: ثم استعبر واستعبرت معه، فقال: الحمد لله الذي فضلنا على خلقه بالرحمة وخصنا أهل البيت بالرحمة، يا مسمع إن الأرض والسماء لتبكي منذُ قُتل أمير المؤمنين عليه السلام رحمةً لنا، وما بكى لنا من الملائكة أكثر وما رقات دموع الملائكة منذ قُتلنا، وما بكى أحدٌ رحمةً لنا ولما لقينا إلا رحمة الله قبل أن

تخرج الدَّمْعَةُ من عينه، فإذا سالت دُموعُهُ على خَدِّه، فلو أن قطرةً من دُموعِهِ سَقَطَتْ في جهنَّمَ لأطْفَأَتْ حَرَّهَا حتَّى لا يوجد لها حَرٌّ، وإنَّ الموجع لنا قلبه ليفرح يوم يرانا عند مَوْتِهِ فرحةً لا تزال تلك الفرحةُ في قلبه حتَّى يرد علينا الحوض، وإنَّ الكوثر ليفرح بمحبِّنا إذا ورد عليه حتَّى أنه ليذيقه من ضروب الطَّعام ما لا يشتهي أن يصدر عنه، يا مِسمعَ مَنْ شرب منه شربةً لم يظمأ بعدها أبداً، ولم يستق بعدها أبداً، وهو في بَرْدِ الكافور وريحِ المِسْكِ وطعمِ الزَّنْجَبِيلِ، أحلى من العسل، وألين من الزَّبد، وأصفى من الدَّمْعِ، وأذكى من العنبر يخرج من تسنيم، ويمرُّ بأنهار الجنان يجري على رَضْرَاضِ الدَّرِّ والياقوت، فيه من القِدْحان أكثر من عدد نجوم السماء، يوجد ريحه من مسيرة ألف عام، قِدْحانه من الذهب والفضة واللوان الجواهر، يفوح في وجه الشَّارب منه كلُّ فائحةٍ حتَّى يقول الشَّارب منه: يا ليتني تركت ههنا لا أبغى بهذا بدلاً، ولا عنه تحويلاً، أما إنك يا [ابن] كَرْدِينِ ممَّن تروى منه، وما من عين بكت لنا إلا نَعِمْتَ بالنظر إلى الكوثر وسقيت منه، وأنَّ الشَّارب منه ممَّن أحبنا ليعطى من اللذَّة والطَّعم والشَّهوه له أكثر ممَّا يعطاه مَنْ هو دونه في حُبِّنا.

وإنَّ على الكوثر أمير المؤمنين عليه السلام وفي يده عصاً من عوسج يحطم بها أعداءنا، فيقول الرَّجُل منهم: إنِّي أشهد الشَّهادتين، فيقول: انطلق إلى إمامك فلان فاسأله أن يشفع لك، فيقول: تبرأ مني إمامي الذي تذكره، فيقول: ارجع إلى ورائك فقل للذي كنت تتولاه وتقدِّمه على الخلق فاسأله إذ كان خير الخلق عندك أن يشفع لك، فإنَّ خير الخلق مَنْ يشفع، فيقول: إنِّي أهلك عطشاً، فيقول له: زادك الله ظمأً وزادك الله عطشاً.

قلت: جُعِلَتْ فِداك وكيف يقدر على الدُّنو من الحوض ولم يقدر عليه غيره؟ فقال: ورع عن أشياء قبيحة، وكفَّ عن شتمنا [أهل البيت] إذا ذكرنا، وترك أشياء اجترء عليها غيره، وليس

ذَٰلِكَ لِحَبْنَا وَلَا لِهَوَىٰ مِنْهُ لَنَا، وَلَكِنْ ذَٰلِكَ لِشِدَّةِ اجْتِهَادِهِ فِي عِبَادَتِهِ وَتَدَيُّنِهِ وَلَمَّا قَدْ شَغَلَ نَفْسَهُ
بِهِ عَنْ ذِكْرِ النَّاسِ، فَأَمَّا قَلْبُهُ فَمُنَافِقٌ وَدِينُهُ النَّصَبُ وَاتِّبَاعُ أَهْلِ النَّصَبِ وَوَلَايَةُ الْمَاضِينَ وَتَقَدُّمُهُ
لَهُمَا عَلَىٰ كُلِّ أَحَدٍ.»

جعفر بن محمد بن قولویه، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات، ج: ۱ ص ۱۰۸، تحقیق: بهراد الجعفری، الناشر: مکتبۃ
الصدوق

مسمع بن عبد الملک کردین بصری نقل کرده: حضرت ابو عبد الله علیه السلام به من فرمودند: ای مسمع تو از
اهل عراق هستی، آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟
عرض کردم: خیر، من نزد اهل بصره مردی مشهور هستم و نزد ما کسانی هستند که خواسته این خلیفه را طالب
بوده و دشمنان ما از گروه ناصبی‌ها و غیر ایشان بسیار بوده و من در امان نیستم از اینکه حال من را نزد پسر
سلیمان گزارش کنند.

در نتیجه او با من کاری کند که عبرت دیگران گردد لذا احتیاط کرده و به زیارت آن حضرت نمی‌روم. حضرت به
من فرمودند: آیا یاد می‌کنی مصائبی را که برای آن جناب فراهم کرده و آزار و اذیت‌هایی که به حضرتش روا
داشتند؟ عرض کردم: بلی. حضرت فرمودند: آیا به جزع و فزع می‌آئی؟ عرض کردم: بلی به خدا قسم و بخاطر یاد
کردن مصائب آن بزرگوار چنان غمگین و حزین می‌شوم که اهل و عیالم اثر آن را در من مشاهده می‌کنند و
چنان حال دگرگون می‌شود که از خوردن طعام و غذا امتناع نموده و بوضوح علائم حزن و اندوه در صورتم
نمایان می‌گردد. حضرت فرمودند: خدا رحمت کند اشک‌های تو را (یعنی خدا بواسطه این اشک‌ها تو را رحمت
نماید، بدان قطعا تو از کسانی محسوب می‌شوی که به خاطر ما جزع نموده و به واسطه سرور و فرح ما مسرور
گشته و بخاطر حزن ما محزون گردیده و بجهت خوف ما خائف بوده و هنگام مأمون بودن ما در امان هستند،
توجه داشته باش حتما و عنقریب هنگام مرگ اجدادم را بالای سرت خواهی دید که ملک الموت سفارش تو را
خواهند نمود و بشارتی که به تو خواهند داد برتر و بالاتر از هر چیزی است و خواهی دید که ملک الموت از مادر

مهربان به فرزندش به تو مهربان‌تر و رحیم‌تر خواهد بود. مسمع می‌گوید: سپس حضرت گریستند و اشک‌های مبارکشان جاری شد و من نیز با آن جناب اشگ ریختم، پس از آن حضرت فرمودند: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ خَصَّنَا اهل البيت بِالرَّحْمَةِ.

ای مسمع از هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام شهید شدند زمین و آسمان بر ما ترحم نموده و می‌گیرند و موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشک‌هایشان لا ینقطع جاری بوده و هرگز قطع نمی‌شود. توجّه داشته باش احدی بخاطر ترحم بما و بجهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی‌کند مگر آنکه قبل از آمدن اشگ از چشمش حقتعالی او را رحمت خواهد نمود و وقتی اشگ‌ها بر گونه‌هایش جاری گشت در صورتی که یک قطره از آنها در جهنّم بیفتد حرارت و آتش آن را خاموش و آرام می‌کند که دیگر برای آن حرارتی پیدا نمی‌شود. بدان کسی که به خاطر ما قلبش دردناک شود در روزی که موت و مرگش فرا برسد و ما را مشاهده نماید سرور و نشاطی برایش پیدا شود که پیوسته این سرور در او بوده تا در کنار حوض بر ما وارد گردد و هنگامی که محبّ و دوست‌دار ما اهل بیت بر حوض کوثر وارد شود سرور و فرح خاصی در کوثر پیدا شود به حدّی که انواع و اقسام اطعمه‌ای را به او چشانده که وی مایل نیست طعم آن غذاها زائد گردد. ای مسمع: کسی که از آن حوض یک جرعه بیاشامد هرگز بعد از آن تشنه نشده و ابدًا طلب آب نکند. صفات آب کوثر سپس حضرت اوصاف آب کوثر را چنین توصیف فرمودند:

الف: طبع آن در سردی و خنکی مانند کافور بوده.

ب: بوی آن همچون بوی مشک بوده.

ج: طعمش نظیر طعم زنجبیل می‌باشد.

د: شیرین‌تر از عسل.

ه: نرم‌تر و لطیف‌تر از سر شیر.

و: صاف‌تر از اشگ چشم.

ز: پاک‌تر از عنبر.

ح: از تسنیم که چاهی است در بهشت خارج می‌گردد.

ط: در جوی‌های بهشت عبور می‌کند.

ی: از روی ریگ‌های بهشتی که در و یا قوت هستند جاری می‌باشد.

ل: کاسه‌هایی در آن است که عدد آنها از ستارگان آسمان بیشتر می‌باشد.

ل: بوی خوش آن از مسافتی که باید آن را ظرف هزار سال پیمود به مشام می‌آید.

م: کاسه‌های درون آن از زر و سیم و انواع و اقسام جواهر قیمتی است.

ن: از آن هر بوی خوش و نسیم معطری به صورت شارب می‌وزد تا جایی که شارب می‌گوید: کاش من را در

همین جا به حال خود بگذارند، حاضر نیستم اینجا را به جای دیگری تبدیل کرده و آن را تغییر دهم.

پس از آن حضرت به مسمع بن عبد الملک کردین بصیری فرمودند:

ای کردین توجه داشته باش تو از کسانی هستی که از آب آن حوض می‌آشامی. و نیست چشمی که برای ما

بگرید مگر آنکه از نعمت نظر نمودن به آب کوثر بهره‌مند شده و از آن سیراب می‌گردد.

دوستداران ما که از آب کوثر می‌آشامند پس از نوشیدن از آن لذتی که برده و طعمی که چشیده و شهوتی که در

آنها پدید آمده به مراتب بیشتر از لذت و طعم و شهوتی است که به دیگران یعنی کسانی که در مرتبه پائین‌تر از

حَبّ ما هستند اعطاء می‌گردد.

بر بالای حوض کوثر امیر المؤمنین علیه السلام ایستاده و در دست مبارکش عصائی از گیاه عوسج بوده که با

آن دشمنان ما را منکوب و مضروب می‌سازند، یکی از آن دشمنان محضر مبارکش عرض می‌کند: من شهادتین

می‌گویم.

حضرت می‌فرماید: نزد امام خود «فلانی» برو پس از او بخواه که تو را شفاعت کند. آن شخص می‌گوید: امام

من که نامش را بردید از من تبرّی می‌جوید. حضرت می‌فرمایند: به پشت خود بر گردد و از کسی که دوستش

می‌داشتی و بر خلائق مقدّمش می‌نمودی طلب شفاعت کن زیرا بهترین خلق نزد تو باید شفاعت را بکند چه

آنکه بهترین مخلوقات کسی است که شفیع دیگران باشد. آن شخص می‌گوید: از تشنگی مردم حضرت به او

می‌فرمایند: خداوند تو را تشنه‌تر کرده و عطشت را زیاد کند. راوی یعنی مسمع می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم این شخص چگونه نزدیک حوض می‌رود در حالی که غیر از امیر المؤمنین علیه السلام احدی بر آن قادر نیست؟ حضرت فرمودند: این شخص از اعمال زشتی چند اجتناب نموده و وقتی ما را نام می‌برد از ناسزا گفتن و فحش دادن خودداری می‌کند و کارهایی را که دیگران جرات نموده و انجام می‌دادند وی آنها را ترک می‌کند ولی این نه بخاطر حبّ و دوستی با ما بوده بلکه منشأ آن زیاد عبادت نمودن و تدبیر و منصرف بودنش از ذکر مردم می‌باشد ولی در قلبش نفاق بوده و دین و آئینش مذهب نصب و تبعیت از اهل آن بوده و ولایت و دوستی خلفاء ماضی را داشته و آن دو نفر را بر هر کسی مقدم می‌کند

بخشش گناه ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام:

حدثني حكيم بن داود، عن سلمة، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبي عمير، عن بكر بن محمد، عن فضيل بن يسار، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: من ذكرنا عنده ففاضت عيناه ولو

مثل جناح الذباب غفر له ذنوبه ولو كانت مثل زبد البحر

جعفر بن محمد بن قولويه، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات ج: ١ ص: ٢٠٨، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، لجنة التحقيق، چاپ اول، الناشر: مؤسسة نشر الفقاهة عيد الغدير ١٤١٧

حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمودند: کسی که نام ما نزد او برده شود و از چشمانش اشک بیاید اگر چه به قدر بال پشه باشد گناهانش آمرزیده شود و لو به اندازه روی دریاها باشد.

امام صادق علیه السلام و بیان جواز گریه بر امام حسین علیه السلام:

حدثنا محمد بن محمد، قال: حدثنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه رحمه الله، قال:

حدثني أبي، قال: حدثني سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد ابن عيسى، عن الحسن بن

محبوب الزراد، عن أبي محمد الأنصاري، عن معاوية بن وهب، قال: كنت جالسا عند جعفر بن محمد عليهما السلام إذ جاء شيخ قد انحنى من الكبر، فقال: السلام عليك ورحمة الله وبركاته. فقال له أبو عبد الله: وعليك السلام ورحمة الله وبركاته، يا شيخ ادن مني، فدنا منه فقبل يده فبكى، فقال له أبو عبد الله عليه السلام: وما يبكيك يا شيخ؟

قال له: يا بن رسول الله، أنا مقيم على رجاء منكم منذ نحو من مائة سنة، أقول هذه السنة وهذا الشهر وهذا اليوم، ولا أراه فيكم، فتلومني أن أبكي! قال: فبكى أبو عبد الله عليه السلام ثم قال: يا شيخ، إن أخرجت منيتك كنت معنا، وإن عجلت كنت يوم القيامة مع ثقل رسول الله صلى الله عليه وآله. فقال الشيخ: ما أبالي ما فاتني بعد هذا يا بن رسول الله. فقال له أبو عبد الله عليه السلام: يا شيخ، إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: إني تارك فيكم الثقلين ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا: كتاب الله المنزل، وعترتي أهل بيتي، تجئ وأنت معنا يوم القيامة. قال: يا شيخ، ما أحسبك من أهل الكوفة. قال: لا. قال: فمن أين أنت؟ قال: من سوادها جعلت فداك. قال: أين أنت من قبر جدي المظلوم الحسين عليه السلام؟ قال: إني لقريب منه قال: كيف إتيانك له؟ قال: إني لآتيه وأكثر. قال: يا شيخ، ذاك دم يطلب الله (تعالى) به، ما أصيب ولد فاطمة ولا يصابون بمثل الحسين عليه السلام، ولقد قتل عليه السلام في سبعة عشر من أهل بيته، نصحوا لله وصبروا في جنب الله، فجزاهم أحسن جزاء الصابرين، إنه إذا كان يوم القيامة أقبل رسول الله صلى الله عليه وآله ومعه الحسين عليه السلام ويده على رأسه بقطر دما فيقول: يا رب، سل أمتي فيم قتلوا ولدي. وقال عليه السلام. كل الجزع والبكاء مكروه سوى

الجزع والبكاء على الحسين عليه السلام.

أبي جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي [شيخ الطائفة] الوفاة: ٤٦٠، الامالي ج: ١ ص: ١٦١

تحقيق: مؤسسه البعثه، چاپ اول، الناشر: دار الثقافه ١٤١٤ هـ ق

پير مردی با کمر خمیده بحضور آن حضرت مشرف شد و گفت: السلام عليك و رحمت الله. امام صادق پاسخ سلامش را دادند و فرمودند: ای پیرمرد نزدیک من بیا. وقتی نزد آن حضرت آمد دست آن بزرگوار را بوسید و گریان شد حضرت صادق به او فرمود: ای پیرمرد چه چیزی تو را گریان کرد؟ گفت: یا ابن رسول الله! من مدت صد سال است که به امید شما هستم میگویم: در این سال، در این ماه، در این روز (شما خروج خواهید کرد) ولی اثری از آن معلوم نیست. شما مرا ملامت میکنید که چرا گریه میکنم! امام جعفر صادق گریان شد و فرمود: ای پیرمرد! اگر آرزوی تو بتأخیر بیفتد با ما خواهی بود و اگر در باره آن تعجیل شود روز قیامت با عترت رسول خدا خواهی بود. پیرمرد گفت: هر چه بعد از این از من فوت شود باکی نخواهم داشت. حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای پیرمرد پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: انی تارک فیکم الثقلین، ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا: کتاب الله المنزل و عترتی: اهل بیتی. یعنی من دو چیز پر بهاء را در میان شما میگذارم که اگر به آنها متمسک و متوسل شوید هرگز گمراه نخواهید شد! آن دو چیز عبارتند از: قرآن خدا که نازل شده و عترت من که اهل بیت من میباشند. ای پیرمرد تو میائی و در روز قیامت با ما خواهی بود. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: ای پیرمرد گمان میکنم که اهل کوفه باشی؟ گفت: نه. فرمود: پس اهل کجائی؟ گفت: فدایت شوم از اطراف کوفه میباشم. فرمود: تا قبر جد مظلومم امام حسین چقدر فاصله داری، گفت: نزدیک هستم. فرمود: چقدر زیارت قبر امام حسین میروی؟ گفت: من زیاد آن حضرت را زیارت میکنم. حضرت صادق علیه السلام فرمود: خون امام حسین یک خونی است که خدا آن را مطالبه خواهد کرد. هیچ مصیبتی مثل مصیبت حسین دچار فرزندان فاطمه نشده و نخواهد شد. امام حسین با هفده نفر از اهل بیت خود در حالی شهید شدند که برای خدا نصیحت و صبر کردند. خدا هم بهترین جزاء صابرين را به آنان عطا کرد. هنگامی که روز قیامت فرا رسد پیامبر خدا با امام حسین در حالی میایند که دستش بالای سرش خواهد بود و خون میچکد. آن حضرت میفرماید:

پروردگارا از امت من جويا شو: براى چه پسر مرا كشته‌اند؟ حضرت صادق عليه السلام فرمود: هر جزع و گريه‌اى مكروه است غير از جزع و گريه از براى امام حسين.

امام صادق عليه السلام وبيان جواز سينه زنى بر امام حسين عليه السلام:

وذكر أحمد بن محمد بن داود القمى فى نوادره قال: روى محمد بن عيسى عن أخيه جعفر بن عيسى عن خالد بن سدير أخى حنان بن سدير قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل شق ثوبه على أبيه أو على امه أو على أخيه أو على قريب له فقال: لا بأس بشق الجيوب. قد شق موسى بن عمران على أخيه هارون، ولا يشق الوالد على ولده ولا زوج على امرأته، وتشق المرأة على زوجها سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل شق ثوبه على أبيه أو على امه أو على أخيه أو على قريب له فقال: لا بأس بشق الجيوب. قد شق موسى بن عمران على أخيه هارون، ولا يشق الوالد على ولده ولا زوج على امرأته، وتشق المرأة على زوجها وإذا شق زوج على امرأته أو والد على ولده فكفارته حنث يمين ولا صلاة لهما حتى يكفرا ويتوبا من ذلك، وإذا خدشت المرأة وجهها أو جزت شعرها أو نتفته فى جز الشعر عتق رقبة أو صيام شهرين متتابعين أو اطعام ستين مسكينا، وفى الخدش إذا دميت وفى النتف كفارة حنث يمين، ولا شىء فى اللطم على الخدود سوى الاستغفار والتوبة، وقد شققن الجيوب ولطمن الخدود الفاطميات على الحسين بن على عليهما السلام، وعلى مثله تلطم الخدود وتشق الجيوب.

الشيخ الطوسى، الوفاة: ٤٦٠، تهذيب الاحكام، ج: ٨ ص : ٣٢٥، تحقيق: السيد حسن الخراسان، چاپ

سوم، الناشر: دار الكتب الاسلاميه - تهران ١٣٦٢

ابن سدير نقل می‌کند که از امام صادق(ع) در مورد مردی سؤال کردم که لباسش را برای پدر یا مادرش یا برادرش و یا یکی از نزدیکانش پاره کرده است. آیا این عمل او جایز است؟ امام(ع) فرمودند: پاره کردن لباس اشکالی ندارد. موسی(ع) برای هارون(ع) پیراهن پاره کرد. البته پدر برای فرزند و مرد برای زنش نمی‌تواند پیراهن پاره کند. اما زن می‌تواند در عزای شوهرش لباسش را پاره کند و اگر پدر در مرگ فرزندش و مرد در مرگ همسرش چنین کرد کفاره آن همانند شکستن قسم است و نماز این دو مادامی که کفاره نداده‌اند و از عمل خود توبه نکنند، پذیرفته نیست. زمانی که زن به صورت خود چنگ بزند و یا موهایش را ببرد و یا بکند، برای بریدن مو باید برده‌ای را آزاد کند، یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد یا شصت فقیر را غذا دهد. چنانچه صورتش را بخراشد و خون خارج شود و یا موی خود را بکند، کفاره شکستن قسم بر عهده او است. در لطمه به صورت، کفاره‌ای غیر از استغفار و توبه نیست و به تحقیق زنان بنی هاشم بر حسین بن علی(ع) گریبان چاک کردند و بر گونه‌ها نواختند و بر مانند او باید بر گونه‌ها نواخته شود و گریبان‌ها چاک گردد.»

امام صادق علیه السلام و بیان استغفار امام حسین علیه السلام برای گریه کنندگان:

حدَّثنی أبی رحمہ اللہ عن الحسن بن أبان، عن الحسین بن سعید، عن عبد اللہ بن المغیرة، عن عبد اللہ بن عبد الرحمن الأصم، عن عبد اللہ بن بُکیر الأرجانی. وحدَّثنی أبی رحمہ اللہ عن سعد بن عبد اللہ، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن عبد اللہ بن زرارہ، عن عبد اللہ بن عبد الرحمن الأصم، عن عبد اللہ بن بُکیر « قال: حَجَجْتُ مع أبی عبد اللہ علیہ السلام - فی حدیث طویل - فقلت: یا ابن رسول اللہ لو نُبِسَ قبرُ الحسین بن علیٍّ علیہما السلام هل کان یصابُ فی قبره شیءٌ؟ فقال: یا ابن بُکیر ما أعظم مسائِلک، إنَّ الحسین علیہ السلام مع أبیہ وأمِّہ وأخیہ فی منزل رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ومعہ یُرزقون ویحبون وأنَّه لعلی یمین العرش متعلق (کذا) یقول: یاربَّ أنجز لی ما وعدتني، وإنَّه لینظر إلی زوَّارہ، وأنَّه أعرف

بِهِمْ وَبِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَمَا فِي رِحَالِهِمْ مِنْ أَحَدِهِمْ بَوْلْدَهُ، وَأَنَّهُ لِيَنْظُرَ إِلَى مَنْ يَبْكِيهِ
فِيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَيَسْأَلُ أَبَاهُ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُ، وَيَقُولُ: أَيُّهَا الْبَاكِيُّ لَوْ عَلِمْتَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ لَفَرِحْتَ أَكْثَرَ
مِمَّا حَزَنْتَ، وَإِنَّهُ لِيَسْتَغْفِرُ لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ

جعفر بن محمد بن قولويه، الوفاة: ٣٦٧، كامل الزيارات، ج: ١ ص ١١٠، تحقيق: بهراد الجعفري، الناشر: مكتبة

الصدوق

عبد الله بن بكير که گفت: با حضرت ابی عبد الله علیه السلام حجّ به جا آوردم... حدیث طولانی است و در یکی از فقرات آن راوی می‌گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اگر قبر حضرت حسین ابن علی علیهما السلام را نبش کنند در قبر به چیزی برخورد و اصابت می‌کنند یا نه؟ حضرت در جواب فرمودند: چقدر سؤال بزرگی کردی، حضرت حسین علیه السلام با پدر و مادر و برادر بزرگوارشان در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده و جملگی با آن حضرت از روزی خدا بهره‌مند می‌شوند و در خصوص آن جناب باید بگویم که حضرتش بر سمت راست عرش چنگ زده و به درگاه الهی عرض می‌کند: یا ربّ أنجز لی ما وعدتني (آنچه را به من وعده دادی روانما).

و آن حضرت به زوار خود نگریسته و به آنها و به اسماء ایشان و اسماء پدرانشان و آنچه در خورجین و بارشان می‌باشد اعرف و آگاه‌تر از ایشان به فرزندشان می‌باشد و نیز آن جناب به گریه‌کننده‌گانش نظر فرموده و برای آنها طلب آمرزش نموده و از پدر بزرگوارش درخواست استغفار برای ایشان می‌نماید و خطاب به کسانی که برایش گریه می‌کنند کرده و می‌فرماید: ای کسی که گریه می‌کنی اگر بدانی چه خدا برایت آماده نموده مسلماً سرور و شادی تو بیشتر از حزن و اندوهت می‌گردد و این حتمی است که حق تعالی تمام گناهان و لغزشهای تو را بواسطه این اشگی که ریخته‌ای می‌آمرزد.

امام صادق علیه السلام و بیان ثواب گریه بر اهل بیت علیهم السلام:

وعن حکیم بن داود، عن سلمة، عن علی بن سیف، عن بکر بن محمد، عن فضیل بن فضالة، عن أبي عبد الله عليه السلام « قال: مَنْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ ».

جعفر بن محمد بن قولویه، الوفاة: ۳۶۷، کامل الزیارات، ج: ۱ ص ۱۱۱، تحقیق: بهراد الجعفری، الناشر: مکتبه

الصدوق

فضیل بن یسار، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسی که نام ما نزد او برده شود و از چشمانش اشک بیاید اگر چه به قدر بال پشه باشد گناهانش آمرزیده شود و لو به اندازه روی دریاها باشد.

گریه امام کاظم بر امام حسین علیه السلام

تعبیری که در باره حزن و اندوه حضرت امام کاظم علیه السلام در روایات بیان شده، بسیار تعبیر قابل توجهی می باشد که به جرأت می توان گفت با وجود چنین تعابیری از ائمه در عزای امام حسین علیه السلام طرح چنین شبهاتی، امروزه بی اساس و به دور از بحث علمی می باشد، در روایتی در کتاب گرانسنگ امالی شیخ صدوق از زبان مبارک حضرت رضا علیه السلام آمده است:

حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور (رحمه الله)، قال: حدثنا الحسين بن محمد بن عامر، عن عمه عبد الله بن عامر، عن إبراهيم بن أبي محمود، قال: قال الرضا (عليه السلام): إن المحرم شهر كان أهل الجاهلية يحرمون فيه القتال، فاستحلت فيه دماؤنا، وهتكت فيه حرمتنا، وسبى فيه ذرارينا ونساؤنا، وأضرمت النيران في مضاربنا، وانتهب ما فيها من ثقلنا، ولم ترع لرسول الله (صلى الله عليه وآله) حرمة في أمرنا. إن يوم الحسين أقرح جفوننا، وأسبل دموعنا، وأذل

عزیزنا، بأرض كرب وبلاء، أورثتنا الكرب والبلاء، إلى يوم الانقضاء، فعلى مثل الحسين فلیبک الباکون، فإن البكاء يحط الذنوب العظام. ثم قال (علیه السلام): کان أبی (صلوات الله علیه) إذا دخل شهر المحرم لا یری ضاحکا، وکانت الکأبه تغلب علیه حتی یمضی منه عشره أيام، فإذا کان يوم العاشر کان ذلك اليوم يوم مصیبتہ وحرزہ وبکائه، ویقول: هو اليوم الذی قتل فیہ الحسین (صلوات الله علیه)

الشیخ الصدوق، الوفاء: ۳۸۱، الامالی، ج: ۱ ص: ۱۹۱، چاپ اول، الناشر: تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة -

مؤسسة البعثة قم، ۱۴۱۷ ه. ق

امام رضا «ع» فرمود محرم ماهی بود که اهل جاهلیت نبرد را در آن حرام می دانستند و خون ما را در آن حلال شمردند و حرمت ما را هتک کردند و ذراری و زنان ما را اسیر کردند و آتش بخیمه های ما زدند و آنچه بنه در آن بود چپاول کردند و در امر ما رعایتی از رسول خدا «ص» نکردند روز شهادت حسین «ع» چشم ما را ریش کرد و اشک ما را روان ساخت و عزیز ما را در زمین کربلا خوار کرد و گرفتاری و بلا بما دچار ساخت تا روز قیامت بر مانند حسین باید گریست این گریه گناهان بزرگ را بریزد سپس فرمود پدرم را شیوه بود که چون محرم میشد خنده نداشت و اندوه بر او غالب بود تا روز دهم روز دهم روز مصیبت و حزن و گریه اش بود و میفرمود در این روز حسین کشته شد

گریه امام رضا علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

حضرت امام رضا علیه السلام نیز، در روایات متعددی به گریه و بیان ثواب گریه و حتی نحوه سرایی و بیان مصائب پرداخته است، همچنین ایشان روز عاشوراء را روز حزن و اندوه و گریه معرفی می کند که باید در این روز بر حضرت اباعبدالله علیه السلام عزاداری و گریه کرد.

امام رضا علیه السلام و بیان ثواب گریه برا امام حسین علیه السلام:

حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق (رحمه الله)، قال: أخبرنا أحمد بن محمد الهمداني، عن علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن أبيه، قال: قال الرضا (عليه السلام): من تذكر مصابنا وبكى لما ارتكب منا كان معنا في درجتنا يوم القيامة، ومن ذكر بمصابنا فبكى وأبكى لم تبك عينه يوم تبكى العيون، ومن جلس مجلسا يحيى فيه أمرنا لم يمت قلبه يوم تموت القلوب

الشيخ الصدوق، الوفاة: ٣٨١، الكتاب، الامالي، ج: ١ ص: ١٣١، چاپ اول، الناشر: تحقيق قسم الدراسات

الاسلامية - مؤسسة البعثه قم، ١٤١٧ هـ. ق

حضرت رضا فرمود هر که یاد مصیبت ما کند و بگرید بدان چه با ما کردند روز قیامت با ما در درجه ما است و هر که یاد مصیبت ما کند و بگرید و بگریاند دیده اش گریان نشود روزی که همه دیده ها گریانست و هر که بنشیند در مجلسی که امر ما در آن زنده می شود دلش نمیرد روزی که دلها بمیرد

روضه خوانی امام رضا علیه السلام و بیان ثواب گریه:

حدثنا محمد بن علي ماجيلويه (رحمه الله)، قال: حدثنا علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن الريان بن شبيب، قال: دخلت على الرضا (عليه السلام) في أول يوم من المحرم، فقال لي: يا بن شبيب، أصائم أنت؟ فقلت: لا. فقال: إن هذا اليوم هو اليوم الذي دعا فيه زكريا (عليه السلام) ربه عز وجل، فقال: (رب هب لي من لدنك ذرية طيبة إنك سميع الدعاء) فاستجاب به، وأمر الملائكة فنادت زكريا وهو قائم يصلي في المحراب: (أن الله يبشرك بيحيى) فمن صام هذا اليوم ثم دعا الله عز وجل استجاب الله له، كما استجاب لزكريا (عليه السلام). ثم قال: يا بن شبيب، إن المحرم هو الشهر الذي كان أهل الجاهلية فيما مضى يحرمون فيه الظلم والقتال

لحرمته، فما عرفت هذه الامه حرمه شهرها ولا حرمه نبيها(صلى الله عليه وآله)، لقد قتلوا فى هذا الشهر ذريته، وسبوا نساءه، وانتهبوا ثقله، فلا غفر الله لهم ذلك أبدا. يا بن شبيب، إن كنت باكيا لشيء، فابك للحسين بن على بن أبى طالب(عليه السلام)، فإنه ذبح كما يذبح الكبش، وقتل معه من أهل بيته ثمانية عشر رجلا ما لهم فى الارض شبيهه، ولقد بكت السماوات السبع والارضون لقتله، ولقد نزل إلى الارض من الملائكة أربعة آلاف لنصره فوجدوه قد قتل، فهم عند قبره شعث قبر إلى أن يقوم القائم، فيكونون من أنصاره، وشعارهم: يا لثارات الحسين. يا بن شبيب، لقد حدثنى أبى، عن أبيه، عن جده(عليه السلام): أنه لما قتل جدى الحسين(صلوات الله عليه)، مطرت السماء دما وترابا أحمر. يا بن شبيب، إن بكيت على الحسين(عليه السلام) حتى تصير دموعك على خديك غفر الله لك كل ذنب أذنبته، صغيرا كان أو كبيرا، قليلا كان أو كثيرا. يا بن شبيب، إن سررتك أن تلقى الله عز وجل ولا ذنب عليك، فزر الحسين(عليه السلام). يا بن شبيب، إن سررتك أن تسكن الغرف المبنية فى الجنة مع النبى وآله(صلوات الله عليهم)، فالعن قتله الحسين. يا بن شبيب، إن سررتك أن يكون لك من الثواب مثل ما لمن استشهد مع الحسين(عليه السلام) فقل متى ما ذكرته: يا ليتنى كنت معهم فأفوز فوزا عظيما. يا بن شبيب، إن سررتك أن تكون معنا فى الدرجات العلى من الجنان، فاحزن لحزننا وافرح لفرحنا، وعليك بولايتنا، فلو أن رجلا تولى حجرا لحشره الله معه يوم القيامة

الشیخ الصدوق، الوفاء: ۳۸۱، الكتاب، الامالی، ج: ۱ ص: ۱۹۲، چاپ اول، الناشر: تحقیق قسم الدراسات

الاسلامیة - مؤسسه البعثة قم، ۱۴۱۷ هـ. ق

ریان بن شیبب گوید روز اول ماه محرم خدمت حضرت رضا رسیدم بمن فرمود ای پسر شیبب روزه‌ای؟ گفتم نه فرمود این روزیست که زکریا بدرگاه پروردگارش دعا کرد و گفت پروردگارا بمن ببخش از پیش خود نژاد پاکی زیرا تو شنوای دعائی خدا برایش اجابت کرد و بفرشتگان دستور داد ندا کردند زکریا را که در محراب ایستاده بود که خدا تو را بیحیی بشارت میدهد هر که این روز را روزه بدارد و سپس دعا بدرگاه خدا کند خدا مستجاب کند چنان که برای زکریا مستجاب کرد سپس گفت ای پسر شیبب به راستی محرم همان ماهی است که اهل جاهلیت در زمان گذشته ظلم و قتال را بخاطر احترامش در آن حرام می‌دانستند و این امت حرمت این ماه را نگه نداشتند و نه حرمت پیغمبرش را در این ماه ذریه او را کشتند و زنانش را اسیر کردند و بنه‌اش را غارت کردند خدا هرگز این گناه آنها را نیامرزد ای پسر شیبب اگر برای چیزی گریه خواهی کرد برای حسین(ع) گریه کن که چون گوسفند سرش را بریدند و هجده کس از خاندانش با او کشته شد که روی زمین ماندی نداشتند و آسمانهای هفت‌گانه و زمین برای کشتن او گریستند و چهار هزار فرشته برای یاریش بزمین آمدند و دیدند کشته شده و بر سر قبرش ژولیده و خاک آلود باشند تا قائم(ع) ظهور کند و یاریش کند و شعار آنها یا لثارات الحسین است ای پسر شیبب پدرم از پدرش از جدش برایم باز گفت که چون جدم حسین(ع) کشته شد آسمان خون و خاک سرخ بارید ای پسر شیبب اگر بر حسین گریه کنی تا اشگت بر گونه‌هایت روان شود خدا هر گناهی کردی از خرد و درشت و کم و بیش بیامرزد. ای پسر شیبب اگر خواهی خدا را بر خوری و گناهی نداشتی باشی حسین را زیارت کن ای پسر شیبب اگر خواهی در غرفه‌های ساخته بهشت با پیغمبر ساکن شوی بر قاتلان حسین لعن کن ای پسر شیبب اگر خواهی ثواب شهیدان با حسین را دریابی هر وقت بیادش افتادی بگو کاش با آنها بودم و بفوز عظیمی می‌رسیدم ای پسر شیبب اگر خواهی با ما در درجات بلند بهشت باشی برای حزن ما محزون باش و و

برای شادی ما شاد باش و ملازم ولایت ما باش و اگر مردی سنگی را دوست دارد با آن خدا روز قیامت محشورش کند.

عاشوراء روز اندوه و گریه:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الرَّهْمَدَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا قَالَ مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَحِهِ وَ سُرُورِهِ وَ قَرَّتْ بِنَا فِي الْجَنَانِ عَيْنُهُ وَ مَنْ سَمِيَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ بَرَكَهٍ وَ ادَّخَرَ فِيهِ لِمَنْزِلِهِ شَيْئًا لَمْ يُبَارِكْ لَهُ فِيهَا ادَّخَرَ وَ حُسِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ يَزِيدَ وَ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ لَعَنَهُمُ اللَّهُ إِلَى أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ النَّارِ

الشيخ الصدوق، الوفاء: ٣٨١، الكتاب، الامالي، ج: ١ ص: ٣٠٦، تحقيق: الشيخ احمد الماحوزي، الناشر: مؤسسة الصادق للطباعة والنشر

امام رضا «ع» فرمود هر که روز عاشورا کارهای خود را تعطیل کند خدا حوائج دنیا و آخرتش را برآورد، هر که روز عاشوراء را روز مصیبت و حزن و گریه خود کند خدای عز و جل روز قیامت را روز خرسندی و شادیش سازد و در بهشت چشمش بما روشن شود و هر که روز عاشورا را روز برکت داند و برای خانه‌اش ذخیره‌ای نهد برکت ندارد و روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد بدرک اسفل دوزخ محشور گردد.

عزاداری امام حسن عسکری برای امام حسین علیهما السلام

امام حسن عسکری علیه السلام نیز، تعبیر بسیار جالبی در مورد امام حسین علیه السلام به کار می برد که نشان از حزن و اندوه این امام بزرگوار نسبت به مصیبت امام حسین علیه السلام دارد، ایشان در دعایی می فرمایند حضرت امام حسین علیه السلام قبل از شهادتشان از نحوه شهادتشان باخبر بودند و تمام آسمانها بر آن حضرت گریه کردند:

قال الشيخ أبو جعفر الطوسي رحمه الله

خرج الى القاسم بن العلاء الهمداني وكيل أبي محمد عليه السلام أن مولانا الحسين عليه السلام ولد يوم الخميس لثلاث خلون من شعبان، فصمه فيها و ادع بهذا الدعاء:

اللهم انى أسألك بحق المولود فى هذا اليوم، الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته، بكته السماء و من فيها و الأرض و من عليها و لما يظأ لأبتيها، قتيل العبرة، و سيد الاسرة، الممدود بالنصرة يوم الكره، المعوض من قتله أن الأئمة من نسله، و الشفاء فى تربته، و الفوز معه فى أوبته، و الأوصياء من عترته بعد قائمهم و غيبته، حتى يدركوا الأوتار، و يثأروا الثأر، و يرضوا الجبار، و يكونوا خير أنصار، صلى الله عليهم مع اختلاف الليل و النهار

الشيخ الطوسي، الوفاة: ٤٦٠، مصباح المتهجد ج: ١ ص: ٨٢٦، چاپ اول، الناشر: مؤسسه فقه الشيعه بيروت - لبنان

۱۴۱۱ - ۱۹۹۱ م [بی تا]

خداوندا تو را می خوانم و از تو درخواست می کنم بحقیقت مولودی که در این روز پا به عرصه ی شهود نهاده آنکسیکه بشهادت او پیش از ولادت و به دنیا آمدن او وعده داده شده و آنکس که آسمان بر مصیبت او گریست با کسانیکه در آنند و زمین و کسانی که بر آن قرار دارند و ساکنین آسمان و زمین برای او گریستند در آن وقت که او هنوز قدم بدولابه مدینه نگذاشته بود یا اینکه هنوز هیچ بشری قدم به آنجا نهاده بود(در صورتیکه کلمه

بطاء بصیغه مجهول خوانده شود و دولابه طرفین شهر مدینه و دو کوهی است که آن را فراگرفته) شهید و کشته شده اشک و عبره بوده که از برای او همه گریه کرده و خواهند کرد از آغاز خلقت تا پایان جهان و سرور و سالار خاندان عصمت و طهارت آن کسی که امداد کرده می شود بیاری و مددکاری در روز رجعت و بازگشت، آن کسی که عوض و پاداش داده شده از قتل و شهادت خود به اینکه امامان و پیشوایان نه گانه از نسل او می باشند و خدای متعال شفا و درمان دردها را در تربت او قرار داده و رستگاری و موفقیت را با او در بازگشت و رجعت وی و جانشینان پیغمبر از عترت او بعد از ظهور قائم ایشان و غیبت آن سرور قرار داده(اشاره به اینکه ائمه هم در رجعت بعد از ظهور امام قائم علیه السلام به دنیا برمی گردند تا اینکه درک کنند و تلافی نمایند خونخواهی او را و به جوش بیاورند آن خون پاک را تا این که خشنود سازند خدای جبار و آفریدگار را و باشند ایشان برای او بهترین کمک کاران و یاوران و درود بفرستند خدا برایشان تا اختلاف شب و روز و زیاد و کم شدن یا تضاد و تباین و اختلاف شب و روز در کار است.

امام علیه السلام در این دعای زیبا، تعبیر جالب "قتیل العبره" را به کار می برند، در توضیح این عبارت مهم علامه ی مجلسی می نویسند:

«أنا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ» أَي قَتِيلٌ مَنْسُوبٌ إِلَى الْعَبْرَةِ وَالْبُكَاءِ وَسَبَبٌ لَهَا. أَوْ أَقْتَلُ مَعَ الْعَبْرَةِ وَالْحَزَنِ وَشَدَّةِ الْحَالِ. وَالْأَوَّلُ أَظْهَرَ

العلامة المجلسی، الوفاء: ۱۱۱۱، بحار الأنوار ج: ۴۴ ص: ۲۷۹، الناشر: مؤسسة الوفاء

من شهید اشک هستم میفرماید: یعنی من منسوب به اشک و گریه و سبب آنها میباشم، یا اینکه با گریه و غم و اندوه کشته خواهم شد، ولی احتمال اول واضحتر است.

گریه حضرت ولی عصر علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

گریه ی حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در المزار الکبیر با تعابیر بسیار سوزناکی نقل شده است، که نه تنها دلالت بر جواز عزاداری بلکه حتی میشود گفت دلالت بر اهمیت عزاداری نیز دارد. در کتاب المزار الکبیر آمده است که:

فلئن أخرجتني الدهور، وعاقني عن نصرک المقدور، ولم أکن لمن حاربک محاربا، ولمن نصب
لک العداوة مناصبا، فلأندبنک صباحا ومساء، ولأبکین علیک بدل الدموع دما، حسرة علیک
وتأسفا علی ما دهاک وتلهفا، حتی أموت بلوعة المصاب وغصة الاکتیاب

الشیخ أبو عبد الله محمد بن جعفر المشهدی، الوفاة: ٤١٠، المزار الکبیر ج: ١ ص: ٥٠١ تحقیق: جواد القیومی
الاصفهانى، چاپ اول، الناشر: نشر القیوم ١٤١٩ هـ ق

اگرچه زمانه مرابه تأخیر انداخت، و مقدرات الهی مرا زیاری تو بازداشت، و نبودم تا با آنانکه با تو جنگیدند بجنگم و
با کسانیکه با تو دشمنی کردند خصومت نمایم، (در عوض) صبح و شام برتومویه میکنم، و به جای اشک برای
توخون گریه میکنم، از روی حسرت و تأسف و افسوس بر مصیبت هائی که بر تو وارد شد، تا جائی که از فرط اندوه
مصیبت، و غم و غصه شدت حزن جان سپارم

السلام علیک، سلام العارف بحرمتک، المخلص فی ولایتک، المتقرب إلى الله بمحبتک، البرئ
من أعدائک، سلام من قلبه بمصابک مقروح، ودمعه عند ذکرک مسفوح، سلام المفجوع
المحزون، الواله المستکین.

الشیخ أبو عبد الله محمد بن جعفر المشهدی، الوفاة: ٤١٠، المزار الکبیر ج: ١ ص: ٥٠٠ تحقیق: جواد القیومی
الاصفهانى، چاپ اول، الناشر: نشر القیوم ١٤١٩ هـ ق

سلام بر تو سلام آن کسی که به حرمت تو آشنا و در ولایت تو مُخلص و بی ریا است، و به سبب محبت و ولای تو به خدا تقرّب جسته، و از دشمنان بیزار است، سلام کسیکه قلبش از مصیبت تو جریحه دار، و اشکش به هنگام یاد تو جاری است، سلام کسیکه دردناک و غمگین و شیفته و فروتن است،

نتیجه

همانطور که گذشت معصومان علیهم السلام اهتمام ویژه ای نسبت به عزاداری امام حسین علیه السلام داشته اند و به انواع مختلف همچون «اشک ریختن، برگزاری مراسم عزاداری و سفارش به آن، غذا دادن در عزای آن حضرت، روزه خوانی برای ایشان و...» به زنده نگه داشتن این امر توجه نموده اند. از طرفی در بین این روایات تعداد قابل توجهی دارای سند صحیح و معتبر می باشند، لکن سخن گفتن از سند این روایات، باتوجه به کثرت آنها کاری بیهوده می باشد. زیرا از این روایات تواتر معنوی در باب عزاداری به روشنی ثابت می باشد، و از نظر دانش حدیث مبرهن است که در چنین صورتی نیاز به بررسی سندی نیست.

همچنین مخفی نماند که این روایات صرفاً دلیل بر جواز گریه بر حضرت اباعبدالله علیه السلام نمی باشد، بلکه به صورت کلی عزاداری را ثابت می کند، همانطور که در تعدادی از این روایات آمده خود امام معصوم از شاعران درخواست می کنند که نوحه سرایی کنند و امام معصوم و اهل بیت مکرمشان علیهم السلام گریه می کردند.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر(عج)